eJOURNAL USA

هیئت انتخاب کننده

۲۷۰ رأی – رقم جادوئی

وزارت امور خارجه ایالات متحده / اداره برنامه های اطلاعات بین المللی

وزارت امور خارجه ایالات متحده / سپتامبر ۲۰۰۸
جلد۱۳ / شماره ۹
http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html

اداره اطلاعات بین المللی:

هماهنگ کننده: جرمی اف. کورتین
تدوینگر اجرایی: جاناتان مارگولیس

مدیر طرح و برنامه ریزی : جورج کلاک
سردبیر: ریچارد دبلیو. هاکابی
مدیر تدوین: بروس اودسی
مدیر تولید: سوزان ال. دانر
دستیار مدیر تولید: کلوه دی. اللیس
تهیه کننده تارنما: جانین پری

سردبیر کپی: کاتلین هوگ
تدوین تصاویر: آن مانرو جیکوبس
طراح جلد: وینسنت هیوز
گرافیست: وینسنت هیوز
متخصص منابع: آنیتا ان. گرین
جورج بورکس

روی جلد: وینسنت هیوز، گرافیک © ۲۰۰۳
نیویورک تایمز. تمام حقوق محفوظ است.

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امورخارجه ایالات متحده هرماه یك مجله الکترونیکی تحت عنوان مجله الکترونیکی ایالات متحده آمریکا (*eJournal USA*) منتشر می کند. این مجلات مسائل مهم پیش روی ایالات متحده و جامعه بین المللی، و همچنین جامعه، ارزشها، افکار و موسسات ایالات متحده را مورد بررسی قرار می دهند.

هر ماه یك مجله جدید به زبان انگلیسی منتشر می شود و سپس نسخه های آن به زبان های فرانسه، پرتغالی، روسی و اسپانیایی انتشار می یابند. بخش های منتخبی از آنها به زبان های عربی، چینی و فارسی منتشر می شوند. هر مجله بر اساس شماره و جلد آن مشخص می شود.

آرا و نظرات مطرح شده در این مجله ها لزوماً نشان دهنده دیدگاه ها و یا سیاست های دولت ایالات متحده نمی باشد. وزارت امور خارجه درقبال محتویات و امکان دسترسی دایمی به تارنماهای اینترنتی که بازدیدکنندگان را به این مجله ها ارجاع می دهند، هیچ مسئولیتی ندارد؛ اینگونه مسئولیت ها صرفاً مربوط به ناشرین آن تارنماها می باشد. امکان چاپ مجدد و ترجمه مقالات، عکس ها و تصاویر این مجله ها در خارج از ایالات متحده وجود دارد، مگر اینکه به طور صریح به محدودیت های حق چاپ انحصاری اشاره شده باشد، که در چنین مواردی باید از دارنده حق چاپ انحصاری ذکر شده در مجلات کسب اجازه گردد.

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه نسخه های کنونی و قبلی این مجلات را در قالب های مختلف الکترونیکی در آدرس اینترنتی:
http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html
در دسترس قرار داده شده است. نظرات و پیشنهادات خود را می توانید به سفارت آمریکا در منطقه خودتان و یا به هر یك از دفاتر ویراستاری ارسال نمایید:

Editor, *eJournal USA*
IIP/PUBJ
U.S. Department of State
4th Street, SW 301
Washington, DC 20547
United States of America
E-mail: *eJournalUSA@state.gov*

نقشهٔ پنجاه ایالت و ناحیه کلمبیا از نظر اهمیت هیئت انتخاب کنندهٔ رییس جمهوری ...

... و نقشهٔ مرسوم جغرافیایی ایالات متحده آمریکا

در باره این شماره

احتمالاً بیش از ۱۰۰ میلیون رای دهنده آرای خود را در انتخابات سراسری ٤ نوامبر ایالات متحده به صندوق ها خواهند ریخت. اما فقط ۵۳۸ زن ومرد رئیس جمهور بعدی ایالات متحده را انتخاب خواهند کرد، و این انتخابات در ۵۰ پایتخت ایالات و نیز در پایتخت، واشنگتن دی سی، در ۱۵ دسامبر صورت خواهد گرفت.
این سیستم انتخابات غیر مستقیم، که به هیئت های نمایندگی معروف است، به وسیله بنیانگذاران قانون اساسی در سال ۱۷۸۷ برقرار گشت که، برای آمریکائی ها و غیر آمریکائی ها به یکسان معما گونه است. این سیستم منعکس کننده سیستم حکومت فدرال در تخصیص قدرت، به دولت ملی، مردم و همچنین ایالت ها است.

همانگونه که جان سی فورتیه[۱]، نویسنده کتاب تحت عنوان «پس از رای مردم» در این شماره از نشریه الکترونیکی ایالات متحده[۲] می نویسد، سیستم هیئت های گزینش ریاست جمهوری نیازمند یک نامزد ریاست جمهوری است که بتواند در سطح ملی مورد قبول باشد که در مناطق مختلف نیز دارای جاذبه باشد: «یکی از نتایج سیستم هیئت نمایندگی گزینش ریاست جمهوری اینست که رقابت را برای حزب سوم، فراکسیون های منطقه ای و یا به دست آوردن ریاست جمهوری برای افراد کمتر شناخته شده، مشکل می سازد.»

انتخاب کنندگان ریاست جمهوری تقریباً همواره به همانگونه در ماه دسامبر رای می دهند که مردم در ماه نوامبر رای داده اند. برندگان هیئت نمایندگی تقریباً همواره آرای سراسری مورد قبول عامه را به دست آورده اند. اما از آنجائیکه تمام ایالات به استثنای دو ایالت برندگان هیئت های نمایندگی دارای اختیار تام هستند، گاهی اوقات ممکن است از نامزد دیگری، حمایت کنند، آن چنانکه در سال ۲۰۰۰ اتفاق افتاد.

دیوید مارک[۳]، خبرنگار سیاسی، بازی های راهبردی را که به دنبال سیستم انتخاب هیئت نمایندگی رخ می دهد توصیف می کند. نامزد های ریاست جمهوری در مبارزات انتخاباتی خود توجه کمی به ایالت های کاملاً حامی دموکرات و جمهوری خواه دارند. در عوض، آنها تمرکز و منابع محدود خود را بر تعداد نسبتاً کمی از ایالت ها که آرای آنها بین دو حزب تقسیم شده است، مانند فلوریدا و اوهایو که نمونه های معروفی هستد و نتیجه انتخابات را تعیین می کنند، قرار می دهند.

بسیاری از آمریکائی ها خواستار تغییر سیستم انتخاب ریاست جمهوری به انتخابات مستقیم بر اساس رای مردم هستند. اما چنین تغییری در چشم انداز نیست. اضافه نمودن متمم به قانون اساسی مستلزم وجود تمایل سیاسی قوی است. در ۲۲۰ سال گذشته تنها ۲۷ متمم قانون اساسی تصویب شده است. و چنین تغییری با مقاومت حامیان سیستم دو حزبی و حامیان سیستم حکومتی فدرال، در ایالت های کوچک مواجه خواهد شد که تعداد نمایندگان آنها در هیئت های نمایندگی متناسب با کوچک بودن ایالت نیست.

هرچه که است، حد اقل سیستم هیئت نمایندگی دارای قاطعیت است. مجلس نمایندگان در مورد دو انتخابات ریاست جمهوری مجبور به تصمیم گیری شد، زیرا هیچ یک از نامزدها اکثریت آرای هیئت های نمایندگی را به دست نیاورده بود، و آخرین مورد آن در سال ۱۸۲٤ اتفاق افتاد.

ما امیدوارم که این شماره از نشریه الکترونیکی ایالات متحده، به بهبود معلومات شما در باره دلایل تاریخی ایجاد سیستم هیئت نمایندگی انتخاب ریاست جمهوری و چگونگی عملکرد آن کمک نماید.

- هیئت سردبیری

۱ John C. Fortier
۲ eJournal USA
۳ David Mark

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا / سپتامبر ۲۰۰۸ / جلد ۱۳ /شماره ۹
http://www.america.gov/publications/ejournals.html

هیئت انتخاب کننده

شیوهٔ عملکرد آن چگونه است:

۳ **محبوبیت گسترده، وجههٔ ملی** - نوشتهٔ جان فورتیر
نظام انتخاب ریاست جمهوری آمریکا توسط بنیان گذاران این کشور بیش از ۲۲۰ سال پیش پی ریزی شده است. این نظام نه تنها با سیر زمان پایدار مانده، بلکه سیاست آمریکا را در طول تاریخ شکل داده است.

۷ **طرز کار هیئت انتخاباتی**
چگونه مسئله هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری در قانون اساسی آمریکا ریشه دار گردید. در این جا حقایقی است در بارهٔ این که چطور واژه های قانون اساسی در طول تاریخ تعبیر شده است.

۱۰ **برنده شدن اکثریت آرای هیئت های نمایندگی**
- نوشتهٔ دیوید مارک
نظام هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری، انتخاب رییس جمهوری را به طریقی که به مراتب پیچیده تر از شمارش آرای عمومی است تعیین می کند. احزاب اصلی باید مهارت هایی در برنامه های راهبردی انتخابات به کار ببرند تا آرای چند ایالتی را که قابل پیش بینی نبوده و در پیامد انتخابات، سرنوشت ساز هستند به دست آورند.

۱۳ **یک روز در زندگی یکی از اعضای هیئت انتخاباتی**
- نوشتهٔ بروس اودیسی
تیمتی ویلارد یکی از ۵۳۸ نفر انتخاب کنندگان رییس جمهوری از سال ۲۰۰۴ تجارب خود را شرح می دهد. نامزد مورد علاقهٔ او باخت. بروس اودسی سردبیر نشریه الکترونیکی یو. اس. ای. است.

چگونه این مسئله موجب اختلاف می شود:

۱۵ **زمانی که میان رأی هیئت انتخاباتی و آرای مردمی تفاوت وجود دارد** - نوشتهٔ توماس اچ. نیل
در تاریخ آمریکا، چهار بار نظام هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری موجب انتخاب نامزدی شد که در سراسر کشور آرای کمتری از رقیب انتخاباتی خود داشت.

۲۰ **ایجاد اصلاحات در هیئت انتخاباتی؟ کاری نه چندان ساده** - نوشتهٔ دیوید لابلین
اصلاح نظام هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری مستلزم تلاش فراوان و اتفاق نظری است که اکنون وجود ندارد.

دنیا این امر را چگونه تلقی می کند:

۲۳ **روش های انتخاباتی در چشم اندازی بین المللی**
- نوشتهٔ اندرو الیس
هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری در آمریکا، شیوه مشابهی با نظام های انتخاباتی در سراسر دنیا دارد ولی مخلوطی از یک شیوه منحصر به فرد است.

۲۵ **هیئت انتخاب کنندهٔ رییس جمهوری: چشم انداز فرانسوی** - نوشتهٔ آندره ای کاسپی
نظام آمریکا جهت انتخاب رییس جمهوری برای مردم فرانسه، به عنوان یک مسئله اسرار آمیز است، ولی در حقیقت بعضی از عوامل نظام سیاسی دو کشور به هم نزدیک به نظر می رسند.

۲۷ **شباهت هایی شگفت انگیز در دو سوی اقیانوس اطلس** - نوشتهٔ فیلیپ جان دیویس
نظام انتخاباتی آمریکا و انگلیس کاملا با یکدیگر متفاوت هستند، ولی گاهی به طور عجیب پیامدهای مشابه دارند.

۲۹ **منابع بیشتر**

شیوهٔ عملکرد آن چگونه است:

محبوبیت گسترده، وجههٔ ملی

نوشتهٔ جان فورتیر

© AP Images/Jae C. Hong

هیئت انتخاب کنندهٔ ریاست جمهوری، نامزدهایی را که از محبوبیت گسترده ملی برخوردارند تشویق و نامزدهای احزاب سوم سیاسی را دلسرد و مأیوس می کند.

نظام انتخاب ریاست جمهوری آمریکا توسط بنیان گذاران این کشور بیش از ۲۲۰ سال پیش پی ریزی شده است. این نظام نه تنها با سیر زمان پایدار مانده. بلکه سیاست آمریکا را در طول تاریخ شکل داده است.

تعداد زیادی از آمریکایی ها با همهٔ جزئیات سیستم انتخاب رئیس جمهوری در کشورشان آشنا نیستند، مخصوصا آن چه مربوط به هیئت انتخاباتی می شود، یعنی هیئتی که تعیین کنندهٔ افرادی است که مسئولیت ریاست جمهوری و معاونت او را در کشور به عهده می گیرند. اما مردم دور نمای کلی را درک می کنند. به عبارت دیگر، هر یک از ایالات دارای تعدادی انتخاب کننده هستند، ایالات پر جمعیت تر از تعداد بیشتری انتخاب کننده برخوردار می باشند، و ایالات کم جمعیت تر دارای تعداد کمتری هستند. شهروندان در ایالتی که اقامت دارند رأی می دهند، و برندهٔ این آرای مردمی، در همهٔ ایالات به غیر از دو ایالت، موفق به دریافت کلیهٔ آرای هیئت انتخاباتی همان ایالت می شود. کاندیدایی که بتواند اکثریت آرای هیئت انتخاباتی را به دست آورد، رئیس جمهوری ایالات متحده می شود، و فرد منتخب او نیز به معاونتش انتخاب می گردد.

البته سیستم گزینش رئیس جمهوری پیچیدگی هایی نیز دارد. در صورتی که آرای هیئت انتخاباتی میان چندین کاندیدا تقسیم شده باشد، و یا دوکاندیدا تعداد آرای مساوی کسب کنند، وظیفهٔ انتخاب رئیس جمهوری به مجلس نمایندگان سپرده می شود. امکان دارد یکی از کاندیدا ها اکثریت آرای مردمی را کسب کند و دیگری، اکثریت آرای هیئت انتخاباتی را. اما این موارد بسیار غیر محتمل هستند. تقریبا در تمامی دوره های اخیر انتخابات، فرد انتخاب شده، دارای آرای مردمی، آرای اکثر ایالت ها، و حد نصاب اکثریت آرای هیئت انتخاباتی نیز بوده است.

اکثر مردم آمریکا از سیستم هیئت انتخاباتی رضایت ندارند. بر طبق نظر سنجی های انجام شده، بیشتر مردم آمریکا آرای مستقیم مردمی را ترجیح می دهند زیرا عقیده دارند که دموکراتیک تر است.

با این حال، تدوین کنندگان قانون اساسی که هیئت انتخاباتی را

نیز بدعت گذاشتند، آن را به عنوان نهاد متعلق به نخبگان که قصد داشته باشد افکار عمومی را ندیده بگیرد، تلقی نمی کردند. آن ها اعتقاد داشتند که سیستم انتخاب کردن رئیس جمهوری بر مبنای نظر مردم است.

تدوین کنندگان قانون اساسی، در طراحی سیستم گزینش رئیس جمهوری که مبتنی بر خواست و ارادهٔ مردم است، به دو موضوع دیگر هم پرداختند. اول این که، آن ها قصد داشتند استقلال ریاست جمهوری را از قوهٔ مقننه و دولت حفظ نمایند. دوم این که، آن ها می خواستند اطمینان حاصل کنند که رئیس جمهوری منتخب، دارای چهره ای ملی می باشد.

علاوه بر این، دو مورد که از پیش تعیین شده بود، هیئت انتخاباتی نقش دیگری نیز دارد که از سوی تدوین کنندگان قانون اساسی پیش بینی نشده بود، و آن پاسداری از سیستم دو حزبی در ایالات متحده است.

حمایت از یک رئیس جمهوری مستقل

طی مجمع قانون اساسی در سال ۱۷۸۷، بنیانگذاران آمریکا در مورد راه های زیادی برای انتخاب رئیس جمهوری به مباحثه پرداختند. آن ها در پایان تعداد زیادی جلسهٔ مشورتی سیستم هیئت انتخاباتی را برگزیدند. برگزیدن سیستمی برای انتخاب رئیس جمهوری، به اختیارات و ترکیب قوهٔ مقننه، یعنی کنگره مربوط می شد. آن ها بعد از تصمیم گیری درمورد ترکیب کنگره، به بحث های جدی پیرامون طرز گزینش رئیس جمهوری مبادرت کردند.

توافق بر سر ترکیب کنگره، بر شکل هیئت انتخاباتی هم تأثیر گذاشت. مسئلهٔ مهم ، مباحثه میان ایالات بزرگتر و کوچکتر بر سر تعداد نمایندگانشان در قوهٔ مقننه بود. قرار بر این بود که قوهٔ مقننه از دو مجلس تشکیل شود – مجلس نمایندگان و سنا. در مجلس نمایندگان، هر یک از ایالات بر مبنای جمعیت خود از نمایندگانی بهره مند می شدند و این نمایندگان را مردم به طور مستقیم انتخاب می کردند، ولو این که حق رأی با محدودیت بیشتری نسبت به امروز روبرو بود. در سنا، هر یک از ایالات از تعداد مساوی نماینده برخوردار بود. ایالت کوچک دلوور و ایالت بزرگ ویرجینیا، هر یک دارای دو نماینده در سنا بودند، و هر یک از سناتورها را قوهٔ مقننهٔ ایالت مربوطه انتخاب می کرد. بعد ها در پی اضافه شدن متممی به قانون اساسی، مردم امروز سناتورها را مستقیماً انتخاب می کنند.

زمانی که کنگره در این موارد به توافق رسید، تدوین کنندگان قانون اساسی باید اطمینان حاصل می کردند که رئیس جمهوری از اختیارات کافی برخوردار و مستقل از کنگره باشد. نظرات تدوین کنندگان، کاملا عکس طرز فکری است که سیستم های پارلمانی را به وجود آورد. در سیستم آمریکا، رئیس جمهوری نباید به کنگره تعلق داشته، و یا رهبر یکی

© AP Images/Mark Lennihan

تصویر جورج واشنگتن، او را در هنگام ادای سوگند برای احراز مقام ریاست جمهوری نشان می دهد، او تنها رییس جمهوری است که در انتخابات ریاست جمهوری با مخالفت روبرو نشد.

از احزاب سیاسی کنگره باشد. تدوین کنندگان قانون اساسی به تفکیک قوا اعتقاد داشتند. اگر قرار بود کنگره به انتخاب رئیس جمهوری بپردازد، او زیر منت کنگره قرار می گرفت، بخصوص اگر می بایست انتخابات مجدد برگزار می گردید. تدوین کنندگان قانون اساسی از این واهمه داشتند که رئیس جمهوری که به انتخاب کنگره باشد، چنان تملق گوی نهاد انتخاب کننده می شود که صرفاً یک عروسک خیمه شب بازی برای قوهٔ مقننه خواهد بود، و نه یک صدای مستقل.

به همین دلیل، تدوین کنندگان قانون اساسی به سنا هم حق انتخاب مستقیم رئیس جمهوری را ندادند. در عوض، آن ها سیستم تازه ای را بدعت گذاشتند- هیئت انتخاباتی - که انتخاب کنندگان در این هیئت، از سوی ایالت ها برگزیده می شوند. قوهٔ قانونگذاری هر ایالت در انتخاب هیئت انتخاباتی خود می تواند صاحب نظر باشد. در دوره های اول انتخابات ریاست جمهوری، در بعضی ایالت ها، انتخاب افراد حاضر

در هیئت انتخاباتی، با رأی مردمی صورت می گرفت؛ بعضی ایالت ها با برگزاری انتخابات مردمی در مناطق موافق بودند، که موجب تقسیم رأی هیئت انتخاباتی میان کاندیدا های مختلف می شد؛ و در بعضی ایالت ها هم بدون برگزار کردن انتخاباتی با شرکت مردم، قوهٔ قانونگذاری به انتخاب مستقیم هیئت انتخاباتی می پرداخت. در ٤٠ سال اول عمر جمهوری،غالب ایالت ها حق انتخاب افراد شرکت کننده در هیئت انتخاباتی را مستقیماً به مردم واگذار می کردند، و بعد سیستمی را اتخاذ کردند که به موجب آن، برندهٔ آرای مردمی، برندهٔ کل آرای هیئت انتخاباتی ایالت نیز می شود.

یکی دیگر از ویژگی های هیئت انتخاباتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. اعضای هیئت های انتخاباتی برای رأی دادن به رئیس جمهور در هر ایالت گرد هم می آیند، اما آن ها به عنوان یک نهاد ملی واحد هرگز جلسه ای تشکیل نمی دهند.

تخصیص تعداد اعضای هیئت انتخاباتی به هر ایالت، منعکس کنندهٔ توافق کنگره بر مبنای تعداد نمایندگان هر یک از ایالت ها در مجلس نمایندگان و سنا بود. به این ترتیب، هر یک از کوچکترین ایالت ها دارای ۳ عضو هیئت انتخاباتی بودند، یک تن در مقابل نمایندهٔ آن ایالت در مجلس نمایندگان، و دو تن در مقابل دو عضو ایالت در سنا. امروزه، پر جمعیت ترین ایالت آمریکا، کالیفرنیا، دارای ٥٥ عضو هیئت انتخاباتی است – ٥٣ تن برای اعضای مجلس نمایندگان این ایالت، و دو تن نیز در مقابل تعداد سناتورهایش. تخصیص تعداد اعضای هیئت انتخاباتی به هر ایالت، بر مبنای جمعیت است که ایالت های پر جمعیت تر از تعداد بیشتری عضو در هیئت انتخاباتی بهره مند هستند، هر چند که ایالت ها ی کوچکتر هم طبق اصل برخورداری مساوی از تعداد سناتورها، بیش از حد لزوم نماینده دارند.

انتخاب یک چهرهٔ ملی

یکی از اسرار میان تدوین کنندگان قانون اساسی این بود که اولین رئیس جمهوری ایالات متحده، جورج واشنگتن خواهد بود. او به اتفاق آرا، چهره ای ملی شناخته می شد که دو بار، و بدون داشتن مخالفی، به ریاست جمهوری انتخاب شد.

اما تدوین کنندگان قانون اساسی از این نگران بودند که بعد از واشنگتن، افراد معدودی دارای وجههٔ ملی و نیروی جذب آرای ایالاتی بودند که به دلیل فقدان سیستم های ترابری و وابستگی های مذهبی، در انزوا به سر می بردند. در آغاز، هیئت انتخاباتی برای تشویق به برگزیدن چهره های ملی، طراحی شده بود. در هیئت انتخاباتی اولیه، هر یک از انتخاب کنندگان حق دادن دو رأی را داشت، اما فقط یک رأی به کاندیدای ایالت محل سکونت آن ها تعلق می گرفت. کاندیدایی که بیشترین تعداد آرا را کسب می کرد، به ریاست جمهوری می رسید، و نفر بعد، به لحاظ کسب تعداد آرا، به معاونت رئیس جمهوری انتخاب می شد.

تدوین کنندگان قانون اساسی معتقد بودند که انتخاب کنندگان، یک رأی به «فرزند خلف» ایالت خود می دهند، اما برای رأی دیگر، باید کاندیدایی را انتخاب کنند که در سطح کشور شناخته شده باشد.

علاوه بر این ویژگی، هیئت انتخاباتی اولیه وجود احزاب سیاسی یا فهرست های انتخاباتی رئیس جمهوری و معاون او را پیش بینی نکرده بود. دومین شخصی که اکثریت آرا را کسب کند ممکن است متعلق به حوزه یا جناح متفاوتی نسبت به رئیس جمهوری باشد. در قالب امروزی به این معنا می شود که پرزیدنت جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰٤ از حزب جمهوری خواه به مقام رئیس جمهوری انتخاب می شد، و جان کری، از حزب دموکرات را به عنوان معاون او بر می گزیدند.

این شیوه برای تشویق رأی دهندگان به انتخاب چهره های ملی، مناسب بود. جان آدامز و توماس جفرسون از همین طریق به عنوان رقبای شناخته شده در سطح کشور در دولت جورج واشنگتن مطرح شدند.

اما اندیشهٔ تدوین کنندگان قانون اساسی در مورد دولتی فاقد احزاب سیاسی، به زودی از میان رفت. جان آدامز و الکساندر هامیلتون به عنوان طرفداران فدرالیسم شناخته شدند، و توماس جفرسون و جیمز مدیسون به عنوان جمهوری خواهان دموکرات (پیش درآمد حزب دموکرات امروز). صورت اولیهٔ هیئت انتخاباتی که در آن هر انتخاب کننده می توانست دو رأی بدهد، در کنار نظام حزبی کارایی خوبی نداشت.

در انتخابات سال ۱۸۰۰، توماس جفرسون کاندیدای ریاست جمهوری از سوی حزب جمهوری خواه دموکرات بود، و آرون بر به عنوان معاون او در رقابت شرکت کرده بود. این ترکیب سیاسی، موفق به شکست دادن رئیس جمهوری فدرالیست وقت، جان آدامز و معاون او چارلز پینکنی شد. اما همهٔ انتخاب کنندگانی که یک رأی به جفرسون داده بودند، به آرون بر هم رأی دادند. در حالی که قصد از رأی دادن به این دو، انتخاب جفرسون به عنوان رئیس جمهوری، و بر، به عنوان معاون او بود، آن ها هر دو تعداد آرایی برابر کسب کردند. مجلس نمایندگان که هنوز در اختیار فدرالیست ها بود، باید برای نتیجهٔ انتخابات تصمیم گیری می کرد. این موضع منجر به دسیسه چینی هایی توسط حزب فدرالیست در کنگره و به دست آرون بر، گردید، و در مورد این که چه کسی به ریاست جمهوری خواهد رسید، نوعی بلاتکلیفی به وجود آمد . نهایتا آرامش برقرار شد، و جفرسون از سوی مجلس نمایندگان به ریاست جمهوری انتخاب گردید. اما این تجربه موجب اضافه شدن دوازدهمین متمم به قانون اساسی گردید، که به موجب آن، هر انتخاب کننده باید یک رأی به رئیس جمهوری و یک رأی به معاون او بدهد.

سیستم دو حزبی

تدوین کنندگان قانون اساسی، نظامی با حضور احزاب سیاسی را تصور نکرده بودند، و هیئت انتخاباتی هم برای ایجاد چنین نظامی طراحی نشده بود. اما با گذشت زمان، هیئت انتخاباتی سیستم دو حزبی متشکل از دموکرات ها و جمهوری خواهان را تقویت کرد.

اولاً، ایالت ها انتخابات خود را بر مبنای این که برنده از تمامی آرای هیئت انتخاباتی برخوردار می شود، برگزار کردند. در چنین روشی، حزب مربوطه باید به اندازهٔ کافی قدرت داشته باشد تا برندهٔ آرای مردمی ایالت گردد، نه این که تنها درصد بالایی از آرا را به دست آورد.

دوماً، وجودهیئت انتخاباتی باعث می شود احزاب لزوما در تعداد متعددی از مناطق کشور برنده شوند. صرفا با کسب آرای جنوب و یا شمال شرق نمی توان حائز اکثریت آرا گردید و در واقع، تقریباً همهٔ کاندیدا های موفق اخیر، در اکثر ایالت ها بیشترین تعداد رأی را کسب کرده اند.

بعد از انتخابات سال ۱۸۰۰، که هیئت انتخاباتی متحول شد، تنها یک بار در انتخابات ریاست جمهوری اتفاق افتاد که فردی با کسب اکثریت آرای هیئت انتخاباتی، در رقابت ها پیروز نشد، و در نتیجه انتخاب ریاست جمهوری به مجلس نمایندگان سپرده شد. و آن در سال ۱۸۲٤، و زمانی بود که نظام حزبی در ابتدای راه تکوین خود قرار داشت.

در سال ۱۸٦۰، آبراهام لینکلن از حزب جمهوری خواه، با بیشترین تعداد آرای مردمی، کمتر از ٤۰ درصد، موفق به کسب پیروزی در انتخابات شد، و این در حالی بود که توانست از تقسیم حزب دموکرات وحضور کاندیدا های متعدد بهره بگیرد، اما با این حال، اکثریت آرای هیئت انتخاباتی راهم از آن خود کرد.

هر از گاهی، کاندیدا های احزاب سوم، مانند پرزیدنت تئودور روزولت که در سال ۱۹۱۲ با دست پروردهٔ خود، پرزیدنت ویلیام هوارد تافت، به رقابت پرداخته بود، موفق به کسب آرای ایالتی و هیئت انتخاباتی شده اند. اما به طور کلی، کاندیدا های احزاب سوم شانسی برای موفقیت نداشته، و از آن جا که احزاب سوم فاقد حمایت ملی بوده اند، قادر به تلاش ضروری برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری یا به دست آوردن تعداد قابل ملاحظه ای کرسی در کنگره نبوده اند، و به سرعت محکوم به ترک صحنه شده اند.

از سال ۱۹۷۲، کاندیدای هیچ حزب سومی موفق به کسب اکثریت آرا در یک ایالت واحد نشده است. حتی کاندیدایی موسوم به راس پروت، که نزدیک به ۲۰ درصد از آرای مردمی را در سال ۱۹۹۲ از آن خود کرد، آن قدر قدرت نداشت که بتواند اکثریت آرای یک ایالت را به دست آورد.

آزمایش زمان

تا به حال، تلاش زیادی برای تغییر سیستم هیئت انتخاباتی و اتخاذ روش رأی مستقیم مردمی صورت گرفته است. هیئت انتخاباتی از زمان پیدایش خود گاهی به طور رسمی و از طریق متمم های قانون اساسی دستخوش تغییراتی گشته است، وگاهی هم به طور غیر رسمی همان طور که در تعامل با سیستم های مختلف حزبی بوده، تغییراتی در آن ایجاد شده است. تدوین کنندگان قانون اساسی، اگر امروز بودند، وهیئت انتخاباتی را مشاهده می کردند، آن رابه منزلهٔ نهادی می شناختند که با تفکیک سه قوه، و انتخاب رئیس جمهوری به طور مستقل از کنگره و ایالت ها، در هماهنگی قرار دارد.

تدوین کنندگان قانون اساسی ظهور احزاب سیاسی را پیش بینی نکرده بودند، اما آن ها خواستار حضور چهره های ملی در نقش رئیس جمهوری بودند، و یکی از تبعات وجود هیئت انتخاب کنندگان، دشوار نمودن شرایط برای شرکت احزاب سوم، جناح های منطقه ای، یا افراد محدودتری در کسب مقام ریاست جمهوری بوده است.

روی هم رفته، اعتماد بنیادین به هیئت انتخاباتی در گزینش رئیس جمهوری که محبوبیت مردمی بیشتری داشته و به کنگره وابسته نباشد، امروز کماکان برقرار است. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتا منعکس کنندهٔ دیدگاه وسیاست دولت آمریکا نیست.

طرز کار هیئت انتخاباتی

© AP Images/Steven Senne

رأی دهندگان به رییس جمهوری، در تاریخ دسامبر ۲۰۰۰ مراسم ادای سوگند را در پارلمان ماساچوست در شهر بوستون به جای می آورند.

اصول قانون اساسی

چکیده ای از اصل دوم، بخش *1* قانون اساسی

قوهٔ مجریه به رییس جمهور ایالات متحدهٔ آمریکا سپرده می شود. او برای یک دورهٔ چهار ساله سمت خود را حفظ می کند. و همراه با معاون رییس جمهور که برای دوره ای مشابه برگزیده می شود. به ترتیب زیر انتخاب می گردد:

هر ایالت، طبق قوانین خودش، تعدادی از افراد انتخاب کننده را تعیین می کند؛ تعداد این افراد برابر است با کل تعداد سناتورها و اعضای مجلس نمایندگانی که ایالت مربوطه مجاز است در کنگره داشته باشد. اما هیچ یک از سناتورها یا اعضای مجلس نمایندگان، یا افرادی که در ایالات متحده دارای مناصب دولتی هستند، نمی توانند به عنوان انتخاب کننده تعیین گردند.

- هیئت انتخاباتی دارای مکان خاصی نیست. بلکه فرایندی است که به عنوان بخشی از طرح اولیهٔ قانون اساسی آمریکا آغاز شد. هیئت انتخاباتی به عنوان توافقی میان انتخاب رییس جمهور از سوی کنگره، و انتخاب او از طریق آرای مستقیم مردمی، از سوی بنیانگذاران ایالات متحده اتخاذ گردید. مردم در ایالت متحده به این افراد رأی می دهند، و آن ها نیز به نوبهٔ خود برای انتخاب رییس جمهور رأی می دهند. مرکز ملی اسناد، به منزلهٔ یک آژانس دولت فدرال، بر این فرایند نظارت دارد.

- برای هر ایالت تعدادی انتخاب کننده تعیین می شود که این تعداد، برابر است با تعداد سناتورهای آن ایالت (که همیشه دو سناتور است) به علاوهٔ تعداد اعضای مجلس نمایندگان ، که بر مبنای تراکم جمعیت، هر ۱۰ سال یک بار از طریق آمار مشخص می شود. در حال حاضر، ایالت پر جمعیت کالیفرنیا دارای ۵۵ انتخاب کننده است در حالی که ایالات کم جمعیت تر، مانند داکوتای شمالی، ممکن است دارای تنها سه یا چهار انتخاب کننده باشند.

- هیئت انتخاباتی از ۵۳۸ انتخاب کننده تشکیل شده

است (یک انتخاب کننده در ازای هر یک از ٤٣٥ عضو مجلس نمایندگان و ١٠٠ سناتور ، به اضافهٔ ٣ انتخاب کننده برای منطقهٔ کلمبیا، یعنی واشنگتن، پایتخت کشور). انتخاب رییس جمهور و معاون او مستلزم کسب اکثریتی برابر با ٢٧٠ رأی هیئت انتخاباتی است.

• در قانون اساسی به ویژگی های انتخاب کنندگان به اختصار اشاره شده است. در اصل دوم قید شده که هیچ یک از اعضای کنگره یا افرادی که در ایالات متحده دارای مناصب دولتی هستند نمی توانند به عنوان انتخاب کننده تعیین گردند.

• فرایند گزینش انتخاب کنندگان در هر ایالت متفاوت است. عموماً، رهبران احزاب سیاسی ایالت، انتخاب کنندگان را طی کنوانسیون حزب خود کاندیدا می کنند، و یا طبق رأی گیری کمیتهٔ مرکزی حزب، تعیین می شوند. انتخاب کنندگان را معمولاً بر اساس خدمات و سرسپردگیشان به حزب خود برمی گزینند. آن ها ممکن است مقامات منتخب ایالت، رهبران حزب، یا افرادی باشند که با کاندیدای ریاست جمهوری نزدیکی دارند.

• در روز انتخابات عمومی، رأی دهندگان در هر ایالت به انتخاب کنندگان رأی می دهند ، این روز، سه شنبهٔ بعد از اولین دوشنبه در ماه نوامبر تعیین شده است (در سال ٢٠٠٨ مطابق با ٤ نوامبر می شود). بسته به روال کاردر هر ایالت، نام انتخاب کنندگان ممکن است در برگهٔ رأی گیری زیر نام کاندیدا های ریاست جمهوری قید شده و یا نشده باشد.

• انتخاب کنندگان هر ایالت، در اولین دوشنبهٔ بعد از دومین چهارشنبه در ماه دسامبر (در سال ٢٠٠٨ مطابق به ١٥ دسامبر)، برای انتخاب رییس جمهور ایالات متحده و معاون او گرد می آیند.

• هیچ ماده ای در قانون اساسی یا قوانین فدرال، انتخاب کنندگان را مجبور به دادن رأی موافق با آرای مردمی ایالت خود نمی کند. اما طبق قوانین برخی ایالات، این انتخاب کنندگان که به آن ها اصطلاحاً انتخاب کنندگان بی وجدان اطلاق می شود، ممکن است محکوم به پرداخت جریمهٔ نقدی شده و یا از سمت خود برکنار گردند و انتخاب کنندهٔ دیگری جایگزین آن ها شود. دیوان عالی آمریکا قانون صریحی در

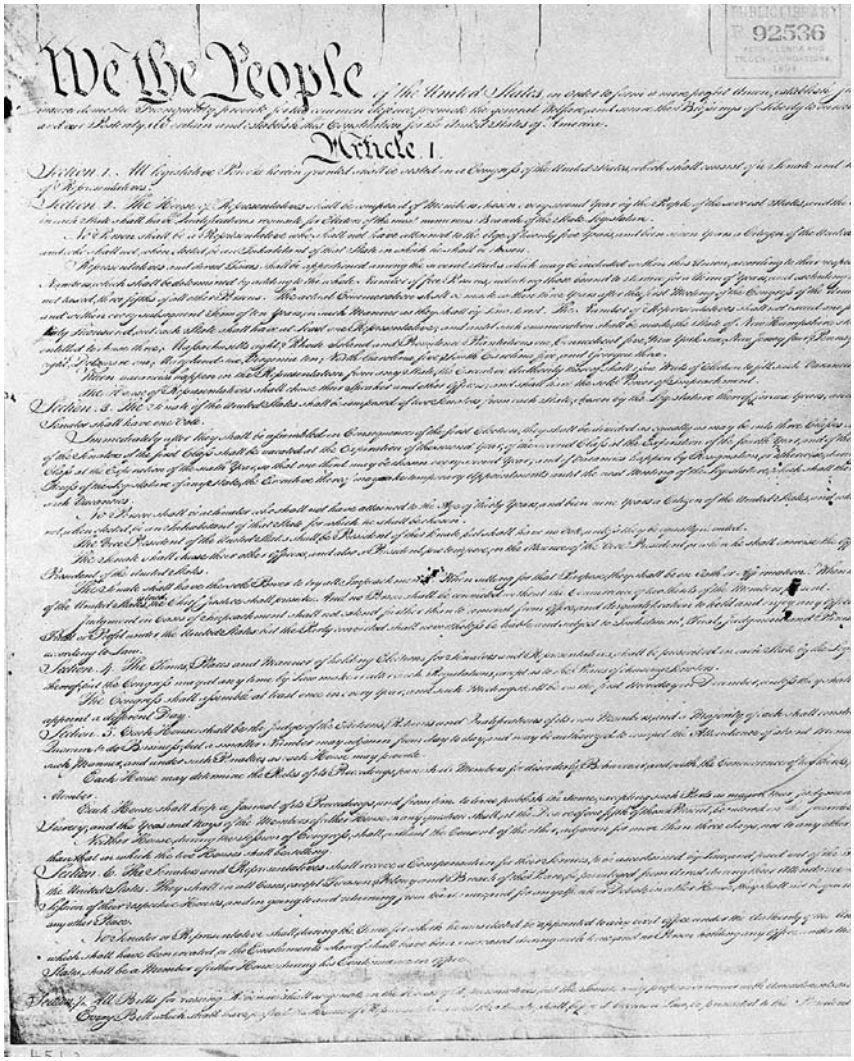

© AP Images

قانون اساسی، زمینه را برای شیوه عملکرد هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری تنظیم کرد، با راهنمایی مختصر در بارهٔ کسی که می تواند به عنوان انتخاب کننده خدمت کند.

مورد مجازات یا جریمهٔ افرادی که طبق تعهد خود رأی نداده اند، که بتواند تحت قانون اساسی به اجرا درآید، نگذرانده است . تا به حال هیچ انتخاب کننده ای به دلیل کوتاهی در رأی دادن طبق تعهد خود، مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته است.

• امروزه به ندرت ممکن است انتخاب کنندگان با نادیده گرفتن رأی مردمی، به شخصی متفاوت با فرد منتخب از سوی حزب خود رأی دهند. انتخاب کنندگان عموماً براساس مقام رهبری خود در حزب یا در پی سال ها خدمت وفادارانه به حزب، برگزیده می شوند. در طول تاریخ آمریکا، بیش از ٩٩ درصد از انتخاب کنندگان، طبق تعهد خود رأی داده اند.

• مجموع آرای هیئت انتخاباتی است که رییس جمهور و معاون او را معین می کند، و نه اکثریت تعداد آرایی که یک کاندیدا در سطح کشور از آن خود کرده است. چهار بار در تاریخ آمریکا – در سال های ١٨٢٤، ١٨٧٦، ١٨٨٨ و ٢٠٠٠ – کاندیدایی که موفق به کسب اکثریت آرای مردمی در

سطح کشور شد، موفق به بردن آکثریت آرای هیئت انتخاباتی نگردید.

• در سال ۲۰۰۸، در ٤۸ ایالت از ٥۰ ایالت و منطقهٔ کلمبیا آرای هیئت انتخاباتی بر مبنای همه از آن برنده است توزیع می شود. مثلاً، همهٔ ٥٥ رأی هیئت انتخاباتی ایالت کالیفرنیا، به کاندیدایی تعلق می گیرد که دارای اکثریت آرای مردمی است، حتا اگر اختلاف آرای کسب شده از سوی کاندیدا ها به نسبت ٥۰,۱ به ٤۹,۹ درصد باشد. تنها دو ایالت، نبراسکا و مین هستند که از قاعدهٔ همه از آن برنده است پیروی نمی کنند. در این ایالات، ممکن است در توزیع تعداد آرای هیئت انتخاباتی هر کاندیدا اختلافاتی مشاهد شود.

• در ژانویهٔ سال بعد از انتخابات ریاست جمهوری، کنگره جهت شمارش آرای هیئت های انتخاباتی تشکیل جلسهٔ مشترک می دهد.

• در صورتی که هیچ یک از کاندیدا ها حائز اکثریت آرای هیئت های انتخاباتی نگردد، طبق متمم دوازدهم قانون اساسی، انتخاب رییس جمهور باید توسط مجلس نمایندگان انجام گیرد. مجلس نمایندگان از میان سه کاندیدایی که حائز بیشترین تعداد آرای هیئت انتخاباتی بوده اند، بر اساس کسب اکثریت آرا، به انتخاب رییس جمهور مبادرت می کند. این آرا از ایالت به ایالت شمارش می گردد و هیئت نمایندگان هر ایالت، مجاز به دادن فقط یک رأی می باشد. در صورتی که هیچ یک از کاندیدا های معاونت رییس جمهور موفق به کسب اکثریت آرای هیئت انتخاباتی نگردد، سنا با اکثریت آرا و رأی هر یک از سناتورها به یکی از کاندیدا هایی که بیشترین آرای هیئت انتخاباتی را کسب کرده اند، به انتخاب معاون رییس جمهور می پردازد.

• تا به حال مجلس نمایندگان دو بار در سال های ۱۸۰۰ و ۱۸۲٤ به انتخاب رییس جمهور مبادرت کرده است. سنا یک بار در سال ۱۸۳٦ معاون رییس جمهور را انتخاب کرد.

• طبق منابع موجود، در ۲۰۰ سال گذشته بیش از ۷۰۰ پیشنهاد برای اصلاح قوانین انتخابات و حذف هیئت انتخاباتی به کنگره تقدیم شده است. تعداد پیشنهادات در مورد افزودن متمم هایی به قانون اساسی برای تغییر هیئت انتخاباتی، بیش از هرموضوع دیگر بوده است.

• عقاید درمورد کارایی سیستم هیئت انتخاباتی ممکن است تحت تأثیر برخورد احزاب سوم باشد – احزابی به غیر از دموکرات و جمهوریخواه. احزاب سوم در سیستم هیئت انتخاباتی شانس زیادی نداشته اند. در سال های ۱۹٤۸ و ۱۹٦۸، کاندیدا های احزاب سوم که دارای محبوبیت های منطقه ای بوده اند، مخصوصاً در مناطق جنوبی کشور موفق به کسب آرای قابل ملاحظه ای از هیئت انتخاباتی شده اند، اما تا بدان حد نبوده که بتواند برندهٔ حزب عمده را با چالش جدی روبرو کند. آخرین کاندیدای احزاب سوم که موفقیت های قابل ملاحظه ای به دست آورد، رییس جمهور سابقاً جمهوریخواه، تئودور روزولت در سال ۱۹۱۲ بود. او در کسب آرای هیئت انتخاباتی و آرای مردمی مقام دوم را کسب کرد (با به دست آوردن ۸۸ رأی از مجموع ۲٦٦ رأی هیئت انتخاباتی که در آن زمان برای کسب موفقیت در انتخابات باید به دست می آورد). با این که راس پروت در سال ۱۹۹۲ برندهٔ آرای عمومی در سطح کشور گشت، اما از آن جا که در هیچ یک از ایالات دارای پایگاه محکمی نبود، موفق به کسب آرای هیئت انتخاباتی نگردید. ■

منبع: مرکز ملی اسناد

برنده شدن اکثریت آرای هیئت‌های نمایندگی

نویسنده دیوید مارک

نظام هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری، انتخاب رییس جمهوری را به طریقی که به مراتب پیچیده تر از شمارش آرای عمومی است تعیین می کند. احزاب اصلی باید مهارت هایی در برنامه های راهبردی انتخابات به کار ببرند تا آرای چند ایالتی را که قابل پیش بینی نبوده و در پیامد انتخابات، سرنوشت ساز هستند به دست آورند.

آمریکائی ها هر چهار سال یکبار برای انتخاب ریاست جمهوری رای می دهند، اما نکته جالب این است که آنان انتخابات ملی ندارند. در عوض، آمریکائی ها در ۵۱ انتخابات در ۵۰ ایالت و واشنگتن دی سی برای ریاست جمهوری رای گیری میکنند و هیئت های انتخاباتی، رئیس جمهوری را انتخاب می کنند. بر اساس آرای این هیئت ها بر روی هم، در مورد انتخاب رئیس جمهوری تصمیم گیری می شود.

جمع آوری آرای اکثریت هیئت های نمایندگی کار پیچیده ای است. در مبارزات انتخاباتی ساعت های بیشماری صرف راهبردهای گوناگون برای دستیابی به عدد جادوئی ۲۷۰، اکثریت آرا از مجموع ۵۳۸ رای هیئت نمایندگی، می شود. بدون تردید، به دست آوردن اکثریت آرای هیئت های نمایندگی به معنای صرف اوقات و منابع گرانبها در یک ایالت به هزینه ایالت دیگر است. ستادهای مبارزات انتخاباتی در هفته آخر قبل از انتخابات باید تصمیمات سختی برای انتخاب ایالت های

© AP Images/Madalyn Ruggiero

باراک اوباما، نامزد رییس جمهوری حزب دموکرات در آن ایالت بعد از آن که در مراحل مبارزات مقدماتی انتخابات، به هیلاری کلینتون باخت، فعالیت خود را در آن جا شروع کرد.

هدف که باید به طور جدی مبارزات انتخاباتی در آن صورت گیرد و آنهائی که باید از مبارزه در آن صرفنظر کرد را اتخاذ کنند. مبارزات انتخاباتی در ایالتی که به نادرست انتخاب شده است، به معنی تفاوت در پیروزی برای کاخ سفید و عدم حضور در مراسم افتتاحیه در روز ۲۰ ژانویه است.

با این وجود، حقایق سیاسی نشان می دهد که اکثر ایالاتها، در حدود ۳۰ ایالت، احتمالاً دموکرات و یا جمهوریخواه هستند و رقابت جدی در آنها وجود ندارد. صرف زمان و پول در این ایالت ها هدر دادن مبارزات از سوی هر دو حزب خواهد بود.

نقش آمار

اولین دهه از قرن بیست و یکم نشان داده است که اهداف مبارزات انتخاباتی نسبت به انتخابات قبلی ریاست جمهوری نامشخص تر است. در نتایج انتخاب هیئت های نمایندگی در انتخابات ریاست جمهوری سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۰ اختلاف کمی دیده شد. در حقیقت، تنها سه ایالت تغییر نظر داده بودند. ایالت های آیوا و نیومکزیکو از حمایت آل گور نامزد دموکرات ها در سال ۲۰۰۰ به حمایت از پرزیدنت جرج دبلیو بوش در انتخابات سال ۲۰۰۴ تغییر نظر دادند؛ و ایالت نیوهمشایر که در انتخابات سال ۲۰۰۰ از بوش پشتیبانی کرد، چهار سال بعد از نامزد حزب دموکرات، جان کری حمایت نمود. بر این اساس موضوع آمار در انتخابات اخیر اهمیت می یابد.

در انتخابات سال ۲۰۰۴ تفاوت آرای ۱۳ ایالت کلرادو، فلوریدا، آیوا، میشیگان، مینه سوتا، نوادا، نیوهمشایر، نیوجرسی، نیومکزیکو، اوهایو، اورگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین؛ در حدود هفت درصد یا کمتر بود. بنابراین، در انتخابات سال ۲۰۰۸، برنامه ریزان راهبردی مبارزات انتخاباتی مک کین، نامزد جمهوری خواهان و هدایت کنندگان برنامه های انتخاباتی باراک اوباما، نامزد دموکرات ها، در جستجوی راه هائی برای توسعه میدان فعالیت و کسب آرای هیئت های نمایندگی بیشتری در ایالت ها هستند.

به عنوان مثال، برنامه اوباما، مبارزه با مک کین برای گسترش هیئت های نمایندگی خود در ایالت هائی مانند کارولینای شمالی، میسوری، و مونتانا است که به طور سنتی طرفدار جمهوری خواهان هستند. در همان حال، راهبرد مک کین، رقابت در ایالت هائی است که اخیراً به دموکرات ها رای داده اند، مانند پنسیلوانیا– که در آن اوباما به نحو شدیدی در انتخابات مقدماتی برای نامزدی حزب دموکرات از سناتور هیلاری کلینتون شکست خورد و میشیگان که اوباما در انتخابات مقدماتی آن شرکت نکرد—است. مقامات ستاد انتخاباتی هر دو حزب با اطمینان پیش بینی نمودند که آنها

ایالت هائی را که در انتخابات اخیر در اختیار حزب دیگر بوده است، از آن خود خواهند کرد.

راهبردهای هیئت های نمایندگی

اوباما برای کسب ۲۷۰ رای لازم هیئت نمایندگی باید با حفظ آرای ایالت هائی که کری در انتخابات سال ۲۰۰٤ در آن پیروز شد، شروع نماید و بر ایالت هائی تمرکز کند که مشاوران اوباما فکر می کنند از آمادگی لازم برای گفتگو برخوردارند. کری ۲۵۲ رای هیئت های نمایندگی را به دست آورد. اوباما برای کسب ۱۸ رای دیگر هیئت های نمایندگی، ایالت های آیوا، ویرجینیا، کارولینای شمالی، نیومکزیکو، نوادا، و کلرادو را هدف خود قرار داده است. در این لیست همچنین ایالت اوهایو قرار دارد که او انتخابات مقدماتی آن را به کلینتون واگذار کرد، ولی این ایالت در انتخابات میان دوره ای سال ۲۰۰٦، به نحو شدیدی به نفع دموکرات ها تغییر رای داد. از سوی دیگر مک کین امیدوار است که رای دهندگان اوهایو، که نسبت به موفقیت جمهوری خواهان در دو انتخابات گذشته ریاست جمهوری انتقاداتی دارند، به وی در حفظ آرای این ایالت کمک خواهند کرد، و آرای ایالت های میشیگان، پنسیلوانیا، و ویسکانسین را به نفع جمهوری خواهان تغییر خواهند داد.

گاهی اوقات راهبرد های مبارزات انتخاباتی برای کسب آرای هیئت های نمایندگی در ایالت های هدف، آنگونه که به نظر می رسد، نیست. ستاد های مبارزات انتخاباتی اغلب سعی می کنند با ظاهرسازی اینطور وانمود کنند که مبالغ گزافی صرف پیروزی در انتخابات یک ایالت شده است، در حالیکه چنین قصدی در میان نبوده است. هدف از این کار اینست که مبارزات انتخاباتی رقیب را وادار به صرف زمان و هزینه زیادی در ایالت هائی نمایند که به طور معمول به آنان رای می دهند و به نوعی در ایالت هائی که قلمروی آنان است به دفاع بپردازند.

یک مثال کلاسیک از این راهبرد حیله گرانه را در طول روزهای داغ پایانی مبارزات انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ می توان دید که در آن آل گور معاون رئیس جمهور برای جانشینی رئیس خود پرزیدنت بیل کلینتون، فعالیت می کرد، در حالیکه جورج دبلیو بوش، فرماندار تگزاس، نامزد جمهوری خواهان بود. در اکتبر سال ۲۰۰۰، درست چند هفته قبل از روز انتخابات، ستاد مبارزات انتخاباتی بوش تصمیم سئوال بر انگیزی برای تبلیغات پرهزینه رادیو تلویزیونی در ایالت کالیفرنیا با ٥٤ رای هیئت نمایندگی (در حال حاضر ٥٥ رای دارد) گرفت، که یکی از سیاست های بسیار تعیین کننده ریاست جمهوری بود. تیم بوش بیش از یک میلیون دلار صرف تبلیغات در بازار پرهزینه تبلیغات کالیفرنیا – لس آنجلس، سانفرانسیسکو، و سان دیه گو – کرد، و دیک چینی، نامزد معاون ریاست جمهوری یک روز با ارزش، در روزهای پایانی مبارزات انتخاباتی، را صرف سفر در شهرهای این ایالت نمود.

ستاد مبارزات انتخاباتی گور متوجه این حیله شد. اعتماد به پشتیبانی قوی طرفداران حزب دموکرات در کالیفرنیا باعث شد که تیم دموکرات ها منابع محدود خود را در جائی دیگر به کار گیرند. این سیاست راهبردی هشیارانه بود و گور انتخابات کالیفرنیا را به راحتی با ٥۳ درصد آرا درمقابل ٤۲ درصد آرای بوش، برنده شد.

اما در اوهایو، تیم مبارزات انتخاباتی گور خیلی سریع از مبارزات کنار کشید و فرصت بالقوه کسب ۲۱ رای هیئت نمایندگی این ایالت را از دست داد. در حالیکه ستاد مبارزات انتخاباتی گور انتظار پیروزی بزرگ جمهوری خواهان در اوهایو را داشتند، بوش تنها با ۳,٥ درصد آرای بیشتر برنده شد. با توجه بیشتر، نتایج این ایالت می توانست به راحتی متفاوت باشد، و یک پیروزی کاملاً مطمئن در انتخابات ریاست جمهوری برای گور باشد.

© AP Images/Carolyn Kaster

جان مک کین، نامزد ریاست جمهوری، جمهوری خواهان، در ایالت اوهایو، یکی از مراکزی که شدیداً دستخوش چند دستگی بود فعالیت کرد

نامزدهای انتخابات سال ۲۰۰۸، به طور یکسانی به امکان رقابت در برخی از ایالت ها اشاره کرده اند، اگرچه در حقیقت امکان دارد که چنین نباشد. دستیاران اوباما گفته اند که در برخی از ایالت ها – مانند جورجیا، میسوری، مونتانا، و کارولینای شمالی -- که آنان در نظر دارند در آن رقابت کنند، ممکن است در نهایت از جمهوری خواهان به سود دموکرات ها جدا نشوند. اما، نتیجه کوشش در این ایالت ها می تواند مک کین را مجبور نماید تا به جای استفاده از منابع خود در مناطق حیاتی، مانند ایالت اوهایو، پول و یا مبارزه خود را دراین ایالت ها که طرفدار جمهوری خواهان هستند، صرف نماید.

برنده، تمام آرا را از آن خود می کند

یکی از ناراحت کننده ترین جنبه های هیئت نمایندگی، برای برنامه ریزان راهبردی مبارزات انتخابات ریاست جمهوری، این قانون است که در اغلب ایالت ها، برنده آرای ایالت، تمام

آرای هیئت نمایندگی آن ایالت را به خود اختصاص خواهد داد، و مهم نیست که تا چه حد آرای آنها به یکدیگر نزدیک بوده است. جورج دبلیو بوش، انتخابات معروف فلوریدا – و ریاست جمهوری – را با ۵۳۷ رای بیشتر از ٦ میلیون رای، در این ایالت آفتابی برنده شد. هنوز، حتی با فاصله بسیار نزدیک، بعد از ۳٦ روز مشاجره قانونی و تصمیم دادگاه عالی به توقف بازشماری آرا، مقامات به این تصمیم رسیدند که کلیه آرای هیئت های نمایندگی ایالت را به جمهوری خواهان دهند.

در ۱۹۸۸، جورج اچ دبیلیو بوش، نامزد جمهوری خواهان برنده ٤۲٦ رای هیئت نمایندگی در مقابل ۱۱۲ رای مایکل دوکاکیس، فرماندار ماساچوست و نامزد دموکرات ها شد که حاکی از پیروزی کاملاً یکطرفه بود. اما تفاوت آرای برنده شدن بوش در بسیاری از ایالت ها به طور نسبی کم بود، و منجر به یک پیروزی گسترده ولی با تفاوت آرای کم شد (کالیفرنیا، ۵۱ به ٤۸ درصد، کانتیکت، ۵۲ به ٤۷ درصد، ایلینوی، ۵۱ به ٤۹ درصد، مریلند، ۵۱ به ٤۸ درصد، میسوری، ۵۲ به ٤۸ درصد، نیومکزیکو، ۵۲ به ٤۷ در صد، پنسیلوانیا، ۵۱ به ٤۸ درصد، ورمونت، ۵۱ به ٤۸ درصد) تفاوت آرای هیئت های نمایندگی در دیگر ایالت ها، با آرای بالای هیئت های نمایندگی، نیز به نحو قابل ملاحظه ای متفاوت نبود. دموکرات ها در یک مبارزه انتخاباتی، در صورتی که قادر به پاسخگونی به حملات بر علیه آنان بودند و اتخاذ روش تهاجمی در تعیین موضوعات برنامه مبارزات انتخاباتی، ممکن بود در انتخابات پیروز گردند.

و در انتخابات سال ۲۰۰۰، گور انتخابات نیوهمشایر را با ٤۸,۱ درصد در مقابل ٤٦,۷ درصد به رقیب واگذار کرد. این نتیجه نشانگر حساس بودن تفاوت آرا بود زیرا ٤ رای هیئت نمایندگی ایالت نیوهمشایر می توانست آرای گور را به اکثریت ۲۷۱ رای برساند—و نتیجه مشاجره فلوریدا را بی اثر سازد. همچنین، پیروزی گور در تنسی، ایالت موطن او در سال ۲۰۰۰، می توانست به مشخص شدن نتیجه انتخابات منجر شود. در عوض، ۱۱ رای هیئت نمایندگی تنسی با تفاوتی ٤ درصدی به نفع بوش شد، و گور را اولین نامزد ریاست جمهوری، بعد از جورج مک گاورن، نامزد دموکرات ها در سال ۱۹۷۲، نمود که در انتخابات ایالت زادگاه خود بازنده شد، و به از دست دادن ریاست جمهوری وی کمک کرد.

قابلیت برنده شدن در انتخابات عمومی

رای گیری هیئت های نمایندگی برای معرفی نامزد حزب دموکرات و جمهوری خواه، تنها بر اساس قابلیت ها و موضوعات شخصی صورت نمی گیرد بلکه این موضوع که شانس پیروزی کدامیک از نامزدها در انتخابات عمومی ماه نوامبر بیشتر است نیز مورد توجه قرار می گیرد.

این بزرگترین دلیل برای پیروزی جان کری بر هوارد دین، فرماندار ورمونت در نامزدی حزب دموکرات برای ریاست جمهوری سال ۲۰۰٤ بود. در مراحل اولیه انتخابات، انتقاد خشمگینانه دین از جنگ عراق و سیاست های دولت بوش، او را از گمنامی به فرد اول در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری برای دموکرات ها تبدیل کرد. قدرت سخنرانی آتشین او رای دهندگان مرحله مقدماتی در حزب دموکرات را، که از عملکرد رهبران حزبی خود در کنگره، به خاطر عدم تمایل به مقابله با بوش به نحو تهاجمی ناامید شده بودند، به خود جذب نموده بود.

اما عملکرد غیر متوازن دین در مبارزات انتخاباتی و عدم تجربه وی در سیاست های ملی باعث شد تا رای دهندگان مقدماتی حزب دموکرات در نهایت کری را، با ۲۰ سال سابقه سناتوری انتخاب نمایند. کری اگر چه سخنران الهام بخشی نبود، ولی دارای توانائی های شناخته شده و قابل استفاده بود، که آنها تشخیص دادند که می تواند رقیب قدرتمند تری در مقابل بوش باشد. بعد از انتخابات مقدماتی، یک طنز پرداز گفت که بسیاری از دموکرات ها «با دین اعلام نامزدی کردند ولی با کری ازدواج نمودند.»

هیئت های نمایندگی از موضوعات اصلی در مبارزه برای نامزدی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ دموکرات ها بود. در رقابتی که حدوداً ٦ ماه طول کشید نتیجه نهائی تا پایان رای گیری های مقدماتی و تشکیل مجمع هیئت های نمایندگی ایالت ها و رای آنان، مشخص نگشت، هیلاری کلینتون مدعی بود، به این دلیل که او از شانس بهتری از رقیب خود باراک اوباما برای شکست دادن مک کین، نامزد جمهوری خواهان در انتخابات عمومی برخورداراست، باید نامزد حزب خود باشد.

کلینتون به پیروزی های مقدماتی خود در ایالت های با آرای نامشخص مانند اوهایو، پنسیلوانیا، و ویرجینیای غربی اشاره کرد. این استدلال مورد استقبال دموکرات ها، که اوباما را به عنوان نامزد حزب برای مقابله با مک کین انتخاب کردند، قرار نگرفت.

دموکرات ها در ٤ نوامبر خواهند دانست که آیا نتایج انتخابات، انتخاب آنان را تائید خواهد کرد. بعد از همه اینها، برنده آرای هیئت های نمایندگی هدف مبارزات انتخاباتی قرار خواهد گرفت. شاید درد آورتر از همه، واقعیت روال کار حکومت در آمریکا است که در آن برنده بیشترین تعداد آرا در یک انتخابات، به صورت اتوماتیک برنده انتخابات نیست. هنگامی که مبارزات اوباما و مک کین در هفته های پایانی انتخابات برای کسب ۲۷۰ رای هیئت های انتخاباتی، شدت گیرد، آنچه که در مجموع مانند یک پیروزی به نظر می آید، می تواند به دلیل روش شمارش نهائی آرا – شمارش ایالت به ایالت در روز انتخابات، تغییر کند. ■

نظرات بیان شده در این مقاله، الزاماً منعکس کننده دیدگاه ها و سیاست های دولت ایالات متحده نیست.

یک روز در زندگی یکی از اعضای هیئت انتخاباتی

نویسنده بروس اودیسی

© AP Images/Charlie Riedel

جان کری نامزد ریاست جمهوری حزب دموکرات (راست) در ایالت دلاور برد ولی از نظر آرای عمومی و آرای هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری به جورج دابلیو بوش باخت.

تیمتی ویلارد یکی از ۵۳۸ نفر انتخاب کنندگان رییس جمهوری از سال ۲۰۰۴ تجارب خود را شرح می دهد. نامزد مورد علاقهٔ او باخت.

بروس اودسی سردبیر نشریه الکترونیکی یو. اس. ای. است.

یک روز در ماه دسامبر سال ۲۰۰٤، تیموتی گ. ویلارد چند ساعتی از دفتر وکالت خود در جورج تاون، دلاور مرخصی گرفت و برای شرکت در رأی گیری برای ریاست جمهور ایالات متحده، به دوور، مرکز ایالت سفر کرد.

شاید خیلی از مردم فکر می کردند که شهروندان دلاور ماه ها قبل به رییس جمهور رأی داده اند، اما آن ها در واقع به سه تن از اعضایِ هیئت انتخاباتی رأی داده بودند که آن ها نیز به نوبهٔ خود، قبلاً در هیئت انتخاباتی متعهد به رأی دادن به جورج دبلیو بوش از حزب جمهوریخواه، یا جان کری از حزب دموکرات، شده بودند.

ویلاردِ یکی از طرفداران پرو پا قرص حزب دموکرات بود، او قبلاً رییس حزب در ناحیه بوده است که در کنوانسیون سال ۲۰۰۰ حزب دموکرات و برنامهٔ سیاسی حزب در ایالت شرکت داشته است.

ایالت دلاور، یکی از کوچکترین ایالات متحده، در سال ۲۰۰٤ فقط دارای سه رأی در هیئت انتخاباتی بود.(کالیفرنیا، بزرگترین ایالت، دارای ۵۵ رأی بود.) ایالت دلاور برحسب تصادف دارای سه ناحیه هم هست، و به همین جهت، رییس حزب دموکرات این ایالت، از هر ناحیه یک تن را برای عضویت در هیئت امنتخاباتی برگزید تا در صورتی که کری در انتخابات مردمی پیروز شد، در هیئت انتخاباتی به او رأی بدهند، یکی از این افراد ویلارد است که نمایندهٔ ناحیهٔ ساسِکس می باشد.

یک روز در دوور

کری در ایالت دلاور و با آوردن ۵۳ درصد از آرای مردمی برنده شد. درواقع از سال ۱۹۸۸ تا به حال، کاندیدا های حزب دموکرات برندهٔ همهٔ دوره های انتخابات ریاست جمهوری در این ایالت بوده اند. به همین جهت ویلارد برای رأی دادن در هیئت انتخاباتی ایالت دلاور در روز ۱۳ دسامبر و مطابق با اولین دوشنبهٔ بعد از دومین چهارشنبه در ماه دسامبر، به آن شهر سفر کرد؛ همان طور که در قانون اساسی برای همهٔ ایالات و واشنگتن دی سی ، پایتخت کشور معین گردیده است.

Courtesy of Joshua Daniel Franklin

.تیمتی ویلارد، یک روز خود را به عنوان انتخاب کنندهٔ رییس جمهوری در کنگره ایالت دلاور در دُوِر صرف کرد

در ساعت ۱۰ صبح، ویلارد و دو همکار او در سالن پرزرق و برق مجلس نمایندگان ایالت دلاور حضور پیدا کردند، یکی از میان خود را به عنوان رییس انتخاب، و بعد به انجام وظایف خود مشغول شدند.

نتایج رسمی انتخابات ماه نوامبر، ازسوی دایرهٔ انتخابات ایالت به آن ها تسلیم شد و آن ها با امضای یک سلسله مدارک، نتایج انتخابات را تأیید کردند: سه رأی هیئت انتخاباتی برای کری، به عنوان رییس جمهور، و سه رأی هم برای جان ادواردز، به عنوان مقام معاونت او. آن ها مدارک مربوطه را برای وزیر امور ایالت دلاور فرستادند تا به مرکز ملی اسناد در واشنگتن ارسال شود. چند هفته بعد، کنگرهٔ آمریکا به شمارش آرای مربوط به انتخابات رییس جمهور و معاون او پرداخت، که رأی ویلارد هم در میان آن آرا بود. اما همان طور که همه از قبل می دانستند، بوش با کسب ۲۸۶ رأی در برابر ۲۵۲ رأی ، بر کری پیروز شد.

وظایف تشریفاتی

هیئت انتخاباتی رییس جمهور از قدرت مستقلی که بینانگذاران جمهوری در زمان تدوین قانون اساسی در سال ۱۷۸۷ تصور کرده بودند، برخوردار نیست . در سال ۱۷۹۶، احزاب نوظهور سیاسی عملکرد هیئت انتخاباتی را تغییر دادند.

برای ویلارد، این کار جنبهٔ تشریفاتی داشت. او احتمالاً فکرش را هم نمی کرد که به کسی به غیر از کری بتواند رأی دهد. در واقع، طبق قوانین ایالت دلاور، او مجاز به رأی دادن به فرد دیگری نبود. (کسی نمی داند که این قانون به لحاظ چارچوب قوانین اساسی ضمانت اجرایی دارد یا خیر، اما وجود اعضای به اصطلاح بی وجدان هیئت انتخاباتی، در طول تاریخ بسیار نادر بوده اند.)

ویلارد گفت، این رویداد چندان هم مورد توجه رسانه ها و مطبوعات قرار نگرفت. من به یاد دارم که در مجلس نمایندگان بودم و تالار حتا پر نشده بود.

با این حال، او به انجام وظیفهٔ دولتی خود افتخار می کرد. او گفت، مشارکت در فرایندی که من معتقدهستم خیلی از مردم هنوز با طرز کار آن به اندازهٔ کافی آشنایی ندارند، افتخار بزرگی بود.

او همین طور اظهار داشت که آمریکایی ها باید به دنبال سیستم های تازه ای برای فرایند انتخابات ریاست جمهوری باشند، سیستمی که به انتخاب فردی که در سطح کشور از آرای مردمی کمتری برخوردار است، مبادرت نکند، چنان که تا به حال در مورد هیئت انتخاباتی این اتفاق افتاده است.

ویلارد گفت، من فکر می کنم ما باید در پی یافتن راه هایی باشیم که ساده تر و قابل فهم تر باشد. منظورم این است که ... درست نیست مردم متوجه فرایند انتخابات نشوند و یا دربارهٔ آن شک کنند و به آن بدبین باشند. ■

چگونه این مسئله موجب اختلاف می شود:

زمانی که میان رأی هیئت انتخاباتی و آرای مردمی تفاوت وجود دارد

نوشتهٔ توماس اچ. نیل

Library of Congress, Prints & Photographs Division

طرح کارتون سیاسی در سال ۱۸۲۴ جمعیتی از شهروندان را نشان می دهد که برای نامزد های انتخاباتی ابراز احساسات می کنند (از چپ به راست) کواینسی آدامز، ویلیام کرافورد، و اندرو جکسون.

در تاریخ آمریکا، چهار بار نظام هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری موجب انتخاب نامزدی شد که در سراسر کشور، آرای کمتری از رقیب انتخاباتی خود داشت.

از زمان اولین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۷۸۸، هیئت انتخاباتی در ۵۱ مورد از ۵۵ دوره انتخابات، بر اساس انتخاب مردم رأی داده است، اما در چهار دورهٔ انتخاباتی رأی آن با آرای مردمی تفاوت داشته. در سه دوره از این انتخابات، یعنی انتخابات سال های ۱۸۷۶، ۱۸۸۸، و ۲۰۰۰، افرادی که از سوی هیئت انتخاباتی برای مقام ریاست جمهوری و معاونت او رأی آوردند، افراد حائز اکثریت آراء مردم نبودند. در سال ۱۸۲٤، آراء هیئت انتخاباتی به اکثریت نرسید و مجلس نمایندگان انتخاب رییس جمهور را به عهده گرفت.

۱۸۲٤: یک معاملهٔ کثیف؟

بازنشستگی قریب الوقوع پرزیدنت جیمز مونرو، با نزدیک شدن انتخابات سال ۱۸۲٤ موجب بروز تغییرات عمده ای در اوضاع سیاسی آمریکا شد. دو حزب سیاسی آن دوران، حزب فدرالیست و حزب دموکرات جمهوری خواه نام داشتند. در طول ربع قرن، کنترل کاخ سفید در دست حزب دموکرات جمهوریخواه بود، و حزب فدرالیست در موقعیت ضعیفی قرار داشت. با این حال، در سال ۱۸۲٤ نشانه هایی از انشعاب در حزب دموکرات جمهوری خواه به چشم می خورد: ایالات از حق رأی بیشتری برخوردار می شدند، نظم موجود مورد سؤال قرار گرفته بود، و بوی تغییر به مشام می رسید. جناح های حزب دموکرات جمهوری خواه که برای تعیین کاندیدای خود به توافق نظر نرسیده بودند، چهار تن را به عنوان کاندیدا معرفی کردند: جان کوینسی آدامز، وزیر خارجه، و ویلیلم کرافورد، وزیر خزانه داری گزینه های تثبیت شده بودند؛ و دو

نفر دیگر، سناتور اندرو جکسون، قهرمان نبرد نیواورلئان، و هنری کلی، رییس متنفذ مجلس نمایندگان بودند.

پس از یک رشته فعالیت های سیاسی پرشور وحرارت – که از سوی مقام های درجه دوم حزبی برگزار گردید، زیرا این گونه فعالیت ها برای افرادی که در سیاستگذاری دست داشتند اهانت آمیز محسوب می شد – نتایج به شکل مأیوس کننده ای متفاوت بود. جکسون دارای بیشترین تعداد آرای هیئت انتخاباتی و آرای مردم بود، بعد از او آدامز بود، و بعد کرافورد و در آخر، کلی، اما هیچ یک از این چهار تن موفق به کسب اکثریت آرای هیئت انتخاباتی نگردیده بود. بر طبق قانون اساسی، در این قبیل شرایط مجلس نمایندگان باید به انتخاب رییس جمهور مبادرت کند، در حالی که نمایندگان هر ایالت از حق یک رأی برخوردار هستند. به علاوه، از آن جا که تنها سه کاندیدای اول واجد شرایط بودند، کلی حذف گردید.

تا زمان تشکیل جلسهٔ کنگره در دسامبر ۱۸۲٤ در واشنگتن، همه از نتایج این انتخابات که گرفتار چند دستگی بود، با خبر بودند، اما اعلام رسمی نتیجه به ۹ فوریهٔ ۱۸۲۵ موکول شده بود، و به همین خاطر در این دو ماه، پایتخت کشور مالامال از نظرپردازی و گمانه زنی، و تمهیدات پشت پرده بود. روشن شد که کرافورد، که بعد از سکتهٔ مغزی دوران نقاهت را می گذراند، از رقابت ها کنار گذاشته شده و باید میان دو نفر، آدامز و جکسون، تصمیم گیری شود.

این دو نفر اول تفاوت های فاحشی با یکدیگر داشتند: آدامز فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد و اهل ماساچوست در نیواینگلند، دیپلماتی سرد وگرم چشیده و فرزند یک رییس جمهور بود، در صورتی که جکسون سیاستمداری خود ساخته و اهل تنسی بود که در آن زمان غرب محسوب می شد، یک نظامی قهرمان و کسی که در چندین دوئل شرکت کرده بود. کلی، رییس مجلس نمایندگان، که توازن قدرت را در دست داشت، با حامیان هر دو کاندیدا وارد مذاکره شد، اما او و نیواینگلندی ها سیاست های مشترکی داشتند و عمیقا نسبت به جکسون بی اعتماد بودند. بعد از یک جلسهٔ ملاقات طولانی و خصوصی کلی با آدامزدر ماه ژانویه، حمایت کلی از آدامز برای همه روشن شد. دو هفته بعد، طی نامه ای چاپ شده در روزنامهٔ فیلادلفیا گفته می شد که کلی با حمایت از آدامز موافقت کرده است، به شرطی که در صورت پیروزی او در انتخابات، پست وزارت خارجه را به کلی بسپارد. این موضوع موجی از اتهامات و تهمت های متقابل در پی داشت و حامیان جکسون، کلی و آدامز را متهم به یک «معاملهٔ کثیف» می کردند.

در ۹ فوریه، کنگره برای شمارش آرای هیئت انتخاباتی تشکیل جلسه داد. همان طور که انتظار می رفت، جکسون ۹۹ رأی هیئت انتخاباتی را از آن خود کرده بود که برای کسب ۱۳۱ رأی برای برنده شدن، ۳۲ رأی کم داشت، آدامز ۸٤ رأی آورده بود، کرافورد ٤۱ رأی، و کلی ۳۷ رأی. با اعلام این نتایج، مجلس نمایندگان موظف به انجام آن چه در قانون اساسی مقرر شده، بود و کلی هم ریاست مجلس را به عهده داشت. در آن دوران که اتحادیه متشکل از ۲٤ ایالت بود، برای برنده شدن در انتخابات، به کسب آرای هیئت های انتخاباتی ۱۳ ایالت نیاز بود؛ در گزارش های اولیه آمده بود که ۱۲ ایالت از آدامز حمایت کرده بودند و برای کسب اکثریت، یک ایالت کم داشت.

جکسون امیدوار بود بتواند در دور اول انتخابات آدامز را شکست دهد، نظر مساعد طرفداران کرافورد را به دست آورده و بعد تعدادی از ایالت های نیواینگلند را نیز وارد معامله کند. کلید حل این وضعیت، ایالت نیویورک بود که هیئت نمایندگان آن در مجلس دو قسمت شده بودند به اضافهٔ یکی که هنوز مردد بود. صبح روز شمارش آرا، کلی و دانیل وبستر، یکی از اعضای مجلس نمایندگان که هم ایالتی آدامز بود، نمایندهٔ مردد نیویورکی را به دفتر خصوصی کلی دعوت کردند. کلی و وبستر به لحاظ استعداد سخنوری و متقاعد کردن مخاطب خود معروف بودند، و آن چه گفتند، گویا کار خودش را انجام داده بود: وقتی فهرست مورد نظر خوانده شد، نیویورک در ستون آدامز، و او در صدر فهرست قرار گرفته بود. نتایج نهایی انتخابات به این صورت بود، رأی ۱۳ ایالت برای آدامز، ۷ ایالت برای جکسون، و ٤ ایالت برای کرافورد.

یازده روز بعد، آدامز اعلام کرد که مقام وزارت خارجه به کلی سپرده می شود، و به این ترتیب، درستی تهمت معاملهٔ کثیف به اثبات رسید. آدامز و کلی این مطلب را پیوسته تکذیب می کردند، اما چه راست وچه دروغ، این تهمت دوران ریاست جمهوری آدامز را تحت الشعاع قرار داد. این موضوع موجب خشم و در عین حال حرارت جکسون و حامیانش گردید، که بلافاصله، برنامه ریزی برای دور بعدی انتخابات را آغاز کردند. چهار سال بعد، این مرد اهل تنسی حق خود را گرفت و در انتخابات سال ۱۸۲۸ آدامز را شکست داد.

۱۸۷٦: مصالحهٔ سال ۱۸۷۷

در سال ۱۸۷٦، حزب جمهوری خواه پرزیدنت آبراهام لینکلن فقید (که لقب آن حزب بزرگ کهن یا GOP است) مدت ۱٦ سال ریاست جمهوری را در دست داشت، اما اقتدار آن در مخاطره بود. کشورچهار سال متوالی در رکود اقتصادی به سر می برد. پرزیدنت یولیسس س. گرانت بعد از دو دوره ریاست جمهوری که با جنجال های سیاسی همراه بود، بازنشسته می شد. دموکرات ها که در پی اتحاد سابق خود با ایالات شورشی جنوبی، مورد بی لطفی قرار داشتند، موفق شده بودند قدرت و اعتماد به نفس سابق خود را مجددا به دست آورند و در سال ۱۸۷٤ حائز اکثریت در مجلس نمایندگان گردیدند. در آن زمان، رأی دهندگان سفید پوست جنوبی خواستار عقب نشینی نیرو های فدرال بودند که هنوز برای دوران بازسازی در ایالات کنفدراسیون سابق استقرار داشتند؛ این سیاست دولت فدرال برای تضمین حقوق سیاسی برده های سابق، و

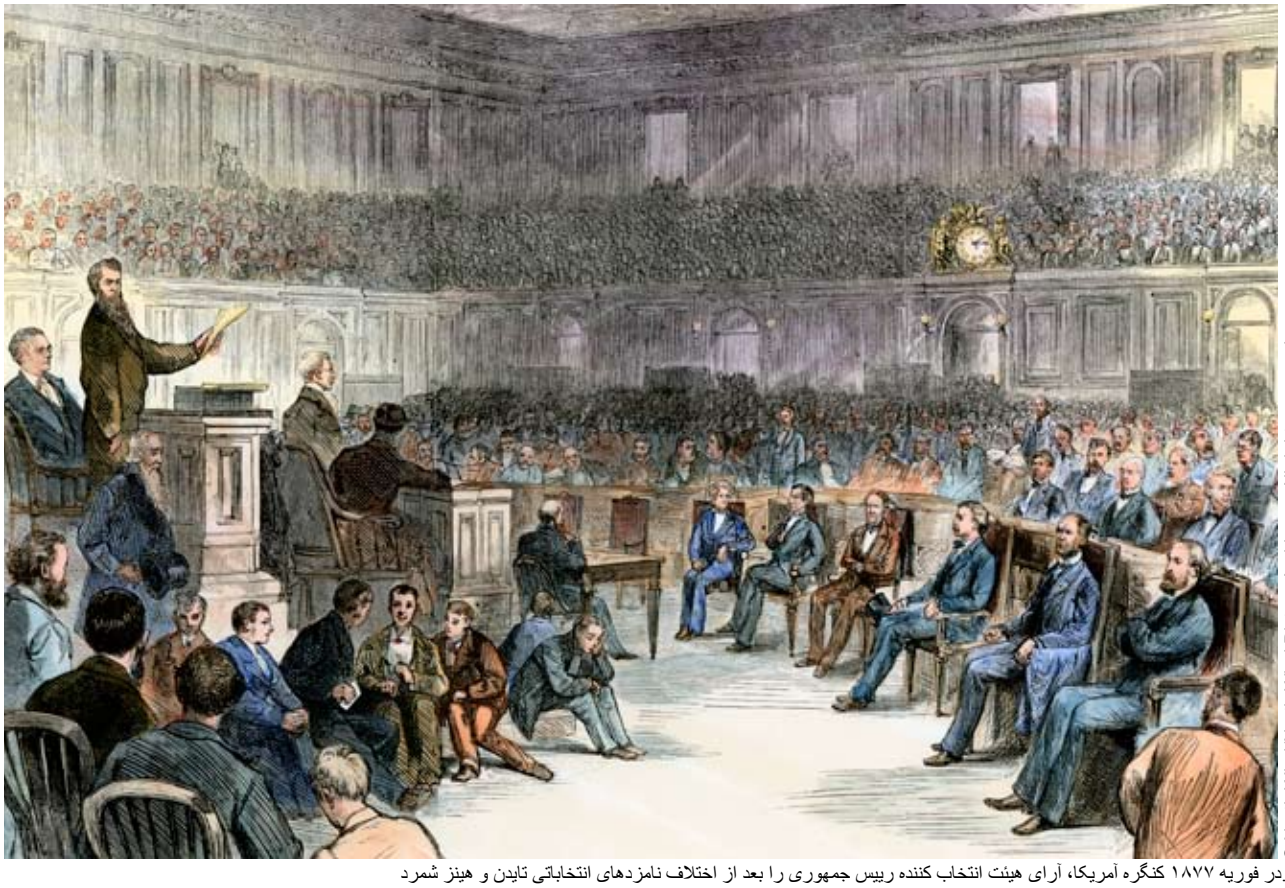

© North Wind/North Wind Picture Archives – All rights reserved

.در فوریه ۱۸۷۷ کنگره آمریکا، آرای هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری را بعد از اختلاف نامزدهای انتخاباتی تایدن و هینز شمرد

حفاظت از ایالات جمهوریخواه بعد از جنگ های داخلی بود.

دموکرات ها با تشکیل جلساتی در کنوانسیون های ملی، فرماندار نیویورک، ساموئل تیلدن را کاندیدای ریاست جمهوری کردند، وجمهوریخواهان نیز فرماندار اوهایو، راترفورد ب. هینز را برای این مقام کاندیدا نمودند. این دو به اصلاح طلبی معروف بودند، و هر دو حزب خط مشی واحدی، مبنی بر دولت صادق و اصلاح مشاغل دولتی را عرضه کردند. جوّ حاکم بر فعالیت های عمومی انتخابات سرشاراز لجن پراکنی، تهمت وضد تهمت بود، کاندیدا ها خود را خارج از این پیکار ها نگه داشته، و جریان حملات سیاسی را به اعضای درجه دوم احزاب و روزنامه هایی که شدیدا جهت گیری حزبی داشتند، سپرده بودند.

روز انتخابات، یعنی ۷ نوامبر، بیش از ۸ میلیون نفر پای صندوق های رأی حاضر شدند. نتایج که به وسیلهٔ تلگراف می رسید، تا شب نوید از جلو بودن حزب دموکرات می داد. تیلدن تبدیل به سنگر جمهوریخواهان شد و تا صبح، او با کسب ۲۵۰,۰۰۰ رأی، در ۱۷ ایالت پیروز شده بود، که این میزان برابر با ۱۸٤ رأی هیئت انتخاباتی بود، که در آن زمان برای کسب اکثریت آرا فقط یک رأی کم داشت. هیز با پیروزی در ۱۸ ایالت و کسب ۱٦٥ رأی از هیئت انتخاباتی، در مقام دوم قرار داشت، اما حزب جمهوری خواه با مشاهدهٔ جلو بودن هر چند مختصر هیز در ایالات فلوریدا، لوییزیانا، و کارولینای جنوبی که ۱۹ رأی در اختیار داشتند، از نو امیدوار شد. دموکرات های محلی نتایج را مورد پرسش قرار دادند و اظهار می داشتند که نیرو های فدرال بر انتخابات تأثیر گذاشته اند؛ GOP با این ادعا روبرو شد که از رأی دادن رأی دهندگان جمهوری خواه سیاهپوست با اِعمال زور جلوگیری به عمل آمده بود. ایالات که به تلخی دچار تفرقه شده بودند، هر کدام دو گواهی متناقض از نتایج انتخابات به کنگره فرستادند.

نبرد سختی در مورد تعداد آرا پیش بینی شد وطرفداران هر دو کاندیدا تهدید به خشونت کرده بودند. عکس العمل کنگره این بود که در ژانویهٔ ۱۸۷۷ یک کمیسیون انتخاباتی متشکل از دو حزب و با شرکت سناتورها، اعضای مجلس نمایندگان، و قضات دیوان عالی ترتیب داد. وظیفهٔ این کمیسیون تصمیم گیری در مورد صحت یکی از فهرست های هیئت انتخاباتی بود. در روز اول فوریه، کنگره برای شمارش آرای هیئت انتخاباتی تشکیل جلسه داد؛ تعداد آرای مشکوک به کمیسیون ارجاع شد، که هر یک از آن ها با موشکافی مورد بررسی قرار گرفت. این فرایند، بیش از یک ماه به طول انجامید و در

دوم مارس، آخرین آرا برای هیز در نظر گرفته شد که با اختلاف یک رأی، یعنی ۱۸۵ رأی در مقابل ۱۸٤ رأی، تیلدن به پیروزی رسید.

علی رغم نارضایتی شدید دموکرات ها، شهر در آرامش باقی ماند: در ماه قبل از آن، عمال سیاست های حزب به توافق هایی پشت درهای بسته رسیده بودند، یعنی مصالحهٔ سال ۱۸۷۷. تیلدن و حزب دموکرات پیروزی GOP را می پذیرفتند، و دراین صورت، هیز متعهد می شد نیرو های فدرال را از ایالات کنفدراسیون سابق فراخوانده و به دوران بازسازی عملا پایان دهد. با دور شدن ارتش، و از آن جا که برده ها به علت ترفند های قانونی، ارعاب، و تروریسم قادر به رأی دادن نبودند، دولت های جمهوری خواه جنوب سقوط کردند. از دست دادن آرای سیاهپوستان به زودی قوانین تبعیض آمیز و سایر تبعیضات علیه سیاهپوستان را به دنبال داشت، اما تا قبل از زدودن میراث شوم سال ۱۸۷۷، باید هشتاد سال سپری می گشت.

Library of Congress

بنجامین هاریسن جمهوری خواه (بالا) در سال ۱۸۸۸ با آرا اندکی بر گرور کلیولند،در چند ایالت شمال پیروز شد.

۱۸۸۸: خارج و داخل

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۸۸۸ شاهد صحنه های اندوهبار کمتری نسبت به سایر موارد اختلاف در هیئت انتخاباتی بود. رییس جمهور وقت، گروور کلیولند دموکرات از نیویورک، بر مبنای ادامهٔ خط مشی مبتنی بر ایجاد اصلاحات در مشاغل دولتی و کاهش از عوارض گمرکی، برای بار دوم کاندیدا شد. حزب جمهوری خواه، مدافع عوارض گمرکی، که موجب منفعت صاحبان صنایع شده و قیمت را برای مصرف کنندگان افزایش می داد، بنجامین هریسون از ایندیانا را برگزید، که نوهٔ پرزیدنت ویلیام هنری هاریسون بود.

کلیولند فعالیت سیاسی خود را با تکیه بر هوادارن حزب در رسانیدن پیامش به مردم، آغاز کرد. هریسون، به جای آن، دهها سخنرانی در منزلش ایراد کرد، که شاید بتوان آن را اولین فعالیت سیاسی موسوم به «ایوان جلویی» محسوب کرد. این دوره از فعالیت های سیاسی را می توان یکی از فاسد ترین دوره ها در تاریخ آمریکا نامید که در آن به خرید و فروش آرا، حقه های کثیف سیاسی، و دست بردن در تعداد آرا و تنظیم تعداد آن بر حسب نیاز خود می پرداختند.

در ٦ نوامبر، بیش از ۱۱ میلیون آمریکایی رأی خود را به صندوق ریختند. انتظار می رفت رقابت های انتخاباتی بسیار نزدیک به هم باشد، و تعداد آرا نشان می داد که کلیولند رقیب جمهوریخواه خود را با ٥,٥٤٠,٠٠٠ رأی در برابر ٥,٤٤٠,٠٠٠ رأی برده است. اما با این حال، هریسون باکسب اکثریت آرای هیئت انتخاباتی، یعنی ۲۳۳ رأی در برابر ۱٦۸ رأی کلیولند، در این رقابت ها پیروز شد.

۲۰۰۰: دیوان عالی وارد میدان می شود

تعداد کمی از رقابت های انتخابات ریاست جمهوری به تلخی انتخابات سال ۲۰۰۰ پایان یافت. حتی اکنون، بعد از گذشت تقریبا یک دهه، وقتی بحث بر سر «چال گونه»، آرای تقلبی، «برچسب های نیمه کنده» و یا حکم دیوان عالی که به شمارش مجدد آرای فلوریدا پایان داد میان طرفداران پرو پا قرص جمهوری خواه جورج و. بوش و دموکرات های طرفدار ال گور در می گیرد، خونشان به جوش می آید.

مبارزه انتخابات عمومی، هر چند شاهد مبارزهٔ سختی بود، اما نشانی از اختلافاتی که در آینده قرار بود بروز کند را نداشت. بر طبق نتیجهٔ به دست آمده از اغلب صندوق های رأی، بوش فرماندار تگزاس، با اختلاف کمی در صدر قرار داشت، اما ال گور، معاون رییس جمهور، این اختلاف را پر می کرد. دوتن از کاندیدا های درجه دوی حزبی، موجب بروز پیچیدگی شدند: این طور برداشت می شد که حزب سبزهای رالف نیدر که حامی مصرف کنندگان است، از ال گور جانبداری کرده، و انتظار می رفت پاتریک بوکنان، کاندیدای حزب اصلاح طلب، آرای خود را به جبههٔ بوش منتقل کند.

در ۷ نوامبر، بیش از ۱۰۵ میلیون تن از مردم آمریکا در انتخابات شرکت کردند؛ در شامگاه همان روز روشن شد که رقابت های تنگاتنگی در جریان است. گور دارای مختصری برتری در تعداد آرای مردمی، و در تعداد آرای هیئت انتخاباتی هم نزدیک بود، ۲٤٦ رأی هیئت انتخاباتی برای بوش و ۲۵۵ رأی برای ال گور، به علاوهٔ ۳۷ رأی سرگردان متعلق به سه ایالت. نیومکزیکو و اورگان، با ۱۲ رأی به ال گور پیوستند، اما فلوریدا با ۲۵ رأی تعیین کنندهٔ هیئت انتخاباتی، که بوش کمی هم جلوتر بود، هنوز مشغول جر و بحث بود. گزارش های حاکی از مخلوط شدن ورقه های رأی گیری و بی نظمی های دیگر، منجر به درخواست شمارش مجدد آرای فلوریدا گشت. احزاب دموکرات و جمهوریخواه برای دفاع از مواضع خود در دادگاه و در برابر رسانه ها به گسیل گروه هایی از وکلا و سیاست پردازان پرداختند. بحث و مشاجرات تلخ و تبلیغاتی پیرامون شمارش مجدد آرا، هفته ها در اخبار و رسانه ها ادامه یافت، و هر دو حزب به دادگاه های ایالتی و فدرال فلوریدا شکایت کردند. در همین حال، زمان می گذشت: بر اساس قانون فدرال، فلوریدا باید رأی هیئت انتخاباتی خود را تا ۱۲ دسامبر اعلام می کرد.

بعد از یک سلسله فراز و نشیب ها و تصمیمات متناقض دادگاه های بدوی، بر طبق حکم دیوان عالی و با رأی پنج تن از قضات در برابر چهار تن، مقرر شد که روند شمارش مجدد آرای فلوریدا ناقض چهاردهمین متمم قانون اساسی مبنی بر حمایت برابر در مقابل قانون بوده و از آن جا که زمان لازم برای اندیشیدن تدبیر دیگری باقی نیست، تعداد آرا همان می ماند که بوده. طرفداران گور به این تصمیم حمله کرده و آن را مغرضانه و به نفع حزب جمهوریخواه خواندند، اما شمارش مجدد به پایان رسید و جورج بوش با کسب ۵۳۷ رأی، در فلوریدا برنده شد. در سطح کشور، او با کسب ۲۷۱ رأی هیئت انتخاباتی در برابر ۲٦٦ رأی ال گور پیروز شد، اما آرای مردمی گور، حدود ۵٤۰,۰۰۰ رأی بیشتر از تعداد آراء بوش بود.

روزنامه دیلی نیوز لس آنجلس، جورج بوش را در سال ۲۰۰۰ یک روز بعد از انتخابات برنده اعلام کرد، هرچند شمارش آرا برای چند هفته بعد از آن ادامه داشت.

© AP Images/Nick Ut

گور، معاون رییس جمهور، هر چند که به تلخی مأیوس شده بود، نتایج را پذیرفت و از طرفداران خود خواست تا برای حفظ منافع کشور، به تصمیم دیوان عالی احترام بگذارند. هنگامی که کنگره در ٦ ژانویهٔ ۲۰۰۱ برای اعلام نتایج تشکیل جلسه داد، تعدادی از اعضای مجلس نمایندگان زبان به اعتراض گشودند، اما سناتورها از آن ها حمایت نکرده و اعتراض آنها از سوی ال گور که به عنوان معاون رییس جمهور ریاست نشست را به عهده داشت، مورد پذیرش واقع نشد. بوش در ۲۰ ژانویه طی یک مراسم تشریفاتی به عنوان اولین رییس جمهور آمریکا که در بیش از یک قرن حائز اکثریت آرای مردمی نشده بود، معرفی گردید. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتا منعکس کنندهٔ دیدگاه و سیاست دولت آمریکا، یا سیاست ها و اطلاعات حاصله از خدمات تحقیقاتی کنگره نیست.

ایجاد اصلاحات در هیئت انتخاباتی؟ کاری نه چندان ساده

نوشتهٔ دیوید لابلین

© AP Images/Steve Helber

دیوان عالی کشور آمریکا، شمارش مجدد آراء فلوریدا را متوقف کرد، و الزاما در بین دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰، بوش و الگور به نفع بوش تصمیم گرفت.

اصلاح نظام هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری مستلزم تلاش فراوان و اتفاق نظری است که اکنون وجود ندارد.

دلیل آوردن برای تمایل مردم به الغای هیئت انتخاباتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده کار دشواری نیست – مخصوصاً به این خاطر که این سیستم گاهی کاندیدایی را برمی گزیند که نسبت به کاندیدای دیگر، آرای مردم کمتری کسب کرده است. پیدا کردن راهی برای جایگزین کردن آن کار چندان ساده ای نیست.

یکی از دلایلی که هیئت انتخاباتی احتمالاً برقرار خواهد ماند این است که اضافه کردن متمم به قانون اساسی کار مشکلی است. شرط لازم برای این اقدام این است که کنگرهٔ آمریکا لایحهٔ مربوطه را با کسب اکثریت دو سوم از اعضای مجلس نمایندگان و سناتورها، و سه چهارم از ایالات، تصویب کند. قانون اساسی، از سال ۱۷۸۷ که تاریخ تدوین آن است تا به حال ۲۷ بار مورد اصلاح قرار گرفته است. و این با احتساب اضافه شدن ۱۰متمم منشور حقوق بشر است که کمی بعد از تدوین قانون اساسی به آن اضافه گردید.

معمولاً برای پشت سر گذاشتن معضلات تصویب یک لایحهٔ تازه، اگر اتفاق نظر راهم کنار بگذاریم، نیاز به حمایت فوق العاده ای وجود دارد. اتفاق نظر درمورد الغای هیئت انتخاباتی در حال حاضر وجود ندارد. تعداد زیادی از دموکرات ها تصور می کنند که از دست رفتن کاندیدای آنان در انتخابات سال ۲۰۰۰، نشان دهندهٔ فوریت در پیش گرفتن اصلاحات است، اما بعضی از جمهوریخواهان تلاش برای ایجاد تغییراتی در سیستم را بی اعتبار کردن پیروزی کاندیدای خود تلقی می کنند. علیرغم حمایت هایی که در بعضی رده های حزبی از اصلاحات صورت می گیرد، درخصوص عملی کردن آن ها، توافق نظری وجود ندارد.

علاوه بر این، تعدادی از ایالات برای مخالفت با چنین تصمیمی دارای دلایل فراوانی هستند. ایالات کوچکتر سهم نامتناسبی از آرای هیئت انتخاباتی دارند، زیرا تعداد آرای انتخاباتی که به آن ها تعلق می گیرد باید برابر مجموع تعداد سناتورهای ایالت، که برای همهٔ ایالات دو تن هستند، بعلاوه تعداد نمایندگان هر ایالت، که حداقل یک نفر می باشد،

© AP Images/Alan Diaz

استناد به رأی مستقیم برای انتخاب رییس جمهوری ممکن است جر و بحث و اختلاف زیادتری در بارهٔ درستی روش انتخابات به وجود آورد، مثل شمارش آرای انتخاباتی در سال ۲۰۰۰ در فلوریدا. این متخصصین تحلیل رایانه ای، آراء انتخابات را در ۸ نوامبر ۲۰۰۰ در فورت لادردل، فلوریدا، بار دیگر شمارش می کنند.

صرفنظر از میزان جمعیت باشد. ایالاتی که رقابت نزدیکی با یکدیگر داشته اند، مانند فلوریدا و اوهایو در دوره های انتخابات سال های ۲۰۰۰، ۲۰۰٤، و ۲۰۰۸، بیشتر مورد توجه کاندیدا های ریاست جمهوری قرار می گیرند، زیرا در این ایالت ها کاندیدای برنده در انتخابات مردمی، کلیهٔ آرای هیئت انتخاباتی را هم کسب می کند، و تنها در دو ایالت مین و نبراسکا به این ترتیب عمل نمی شود. مخالفان سیستم هیئت انتخاباتی، آن را یک نقطه ضعف می دانند، اما ایالات کم اهمیت تراز توجهی که به این بهانه به آن ها می شود به هیچ وجه نمی خواهند بگذرند. تعداد زیادی از مردم معتقد هستند که هیئت انتخاباتی منعکس کنندهٔ ماهیت فدرال ایالات متحده است و در برابر الغای آن، به منزلهٔ حمله به فدرالیسم و تضعیف اختیارات ایالات، مقاومت می کنند

پیمان آرای مردمی کشور

بعضی از طرفداران ایجاد اصلاحات در سیستم هیئت انتخاباتی پیشنهاد می کنند که برای عملی کردن فرایند اصلاحات، از طریق یک پیمان میان ایالتی اقدام شود تا برندهٔ آرای مردمی، مقام ریاست جمهوری را کسب کند. مدافعان پیمان آرای مردمی درکشور پیشنهاد می کنند ایالاتی که دارای اکثریت آرای هیئت انتخاباتی هستند، به کاندیدایی رأی دهند که برندهٔ اکثریت آرای مردمی درسطح کشوراست، صرف نظر ازاین که کاندیدای مذکور در آن ایالات برنده یا بازنده باشد. در پیش گرفتن اصلاحات ازطریق پیمانی که میان ایالات منعقد گردد آسان تراز اضافه کردن متمم به قانون اساسی است. برای تصویب هریک ازمتمم های قانون اساسی، باید دست کم ۳۸ ایالت موافقت خود را با آن اعلام کنند، در صورتی که برای به عمل درآوردن پیمان میان ایالتی، موافقت تنها ۱۱ ایالت پر جمعیت کافی است.

به نظر می رسد این راه حل هوشمندانه ای باشد، اما ممکن است باعث بروز مشکلاتی هم بشود. در ایالات متحده، انتخابات ریاست جمهوری تنها یک انتخابات واحد نیست، بلکه عبارت از ۵۱ رقابت جداگانه در ۵۰ ایالت و منطقهٔ کلمبیا (واشنگتن، پایتخت کشور) می باشد. از آن جا که هر یک از ایالات باید به طور جداگانه درمورد کاندیدا های ریاست جمهوری و معاون او تصمیم گیری کنند، ممکن است افراد مختلفی در لیست انتخاباتی ایالات متفاوت قرار داشته باشند. حتی با ایجاد این پیمان، ممکن است مردم آمریکا باز هم یک انتخابات کشوری به معنای واقعی کلمه نداشته باشند که در همهٔ ایالات کاندیدا های واحدی در انتخابات شرکت داشته باشند.

کاندیدا های ریاست جمهوری ممکن است حتی کاندیدا های معاونت متفاوتی در ایالات مختلف برای خود تعیین کنند. این پیمان پیشنهادی ایجاب می کند آرایی که در هر ایالت برای انتخاب رییس جمهور و معاون او به صندوق ریخته می شود، صرف نظر از این که کاندیدای واحدی برای معاونت رییس جمهور در لیست های انتخاباتی باشد یا نه، در شمارش نهایی آرا مشاهده شود. برای مثال، نام کاندیدای معاونت رالف نیدر که کاندیدای حزب سوم بود، در لیست های انتخاباتی سال ۲۰۰٤ کالیفرنیا دیده نمی شد. با این حال، آرایی که در

کالیفرنیا به رالف نیدر داده شد، نه تنها در کل آرای کسب شده در کشور محاسبه شد، بلکه برای کاندیدای معاونت او هم که نامش در ورقه های رأی گیری نبود، همان آرا در نظر گرفته شد – این راه حل نامناسبی در این مورد بود.

مسائلی که هنوز جای بحث دارد

رقابت فشردهٔ انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ میان جورج دبلیو. بوش از حزب جمهوریخواه و آل گور از حزب دموکرات در فلوریدا وتأثیر آن بر نتیجهٔ انتخابات، انگیزهٔ درخواست اصلاح هیئت انتخاباتی گردید. از قضا، آرای مردمی کشور می تواند مشکلات یک رقابت فشرده را حل و فصل کند. مکانیزم مناسبی برای تصمیم گیری در مورد رقابت های نزدیک وجود ندارد، و آرای مردمی در سطح کشور هم راه حل مطلوبی برای یک رقابت فشرده نیست. کلیهٔ مقررات موجود، دربارهٔ رقابت های فشرده در یک ایالت واحد به طور مفصل به بحث می پردازد، اما این مقررات، شمارش مجدد را در صورتیکه انتخابات کشوری فشرده باشد را نمی طلبد. به علاوه، رسانه های خبری و هر دوحزب سیاسی عمده می توانستند در مورد مقررات انتخاباتی ایالت مورد نظر در انتخابات سال ۲۰۰۰، به بررسی موشکافانه بپردازند، اما انجام این کار در سطح کشور برای آن ها بسیار شاق بود. در حالی که امکان وقوع رقابت های فشرده در محدودهٔ ملی بسیار کم است، استاندارد آن چه رقابت فشرده نام می گیرد نیز بسیار پایین تر می آید.

قابلیت به اجرا درآمدن یک پیمان میان ایالتی که چگونگی رأی گیری هیئت انتخاباتی را تعیین کند نیز موضوعی قابل بحث است. قانون اساسی آمریکا حق تصمیم گیری درمورد آرای هیئت های انتخاباتی را صریحاً به ایالات سپرده است. هر چند در این پیمان تصریح می شود که نقض آن تا شش ماه قبل از برگزاری انتخابات جایز نیست، اما قابلیت اجرای این شیوه به لحاظ قانونی، هنوز چندان روشن نشده. در این پیمان ضابطه ای برای کناره گیری ایالات از آن و امتناع دادگاه ها در ممانعت از آن ها، پیش بینی نگردیده است.

این نگرانی ها شاید جزئی و بیش از اندازه فنی به نظر برسد، اما انتخابات سال ۲۰۰۰ بر اهمیت جزئیات قانونی و ضرورت آمادگی در صورت فشرده بودن رقابت های انتخاباتی تأکید گذاشت. شاید انتخابات ریاست جمهوری از طریق آرای مردمی در سطح کشور نهایتاً عملی باشد، اما برای به عمل درآمدن، مستلزم برنامه ریزی های مقدماتی و دقیق فدرال، و همین طور اتفاق نظر بیشتر از آن چه فعلاً موجود است، می باشد. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کنندهٔ دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

دنیا این امر را چگونه تلقی می کند:

روش های انتخاباتی در چشم اندازی بین المللی

نوشته اندرو الیس

© AP Images/Jacques Brinon

شهردار پاریس برتراند دلانوئه به وسیله هیئت انتخاب کننده، مرکب از اعضای شورای شهر انتخاب گردید.

هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری در آمریکا، شیوه مشابهی با نظام های انتخاباتی در سراسر دنیا دارد ولی مخلوطی از یک شیوه منحصر به فرد است.

معیارهای زیادی برای قضاوت در مورد چهارچوب های انتخاباتی وجود دارد. برخی از این معیارها عبارتند از میزان اختیار کسانی که با رای مردم برگزیده می شوند، ثبات و کارآمدی حکومت، مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن حکومت، مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن کسانی که با رای مردم برگزیده می شوند، حمایت از احزاب سیاسی قدرتمند، و فعالیت مخالفان قانونی و نظارت بر کارکرد حکومت. اما هیچ روش انتخاباتی ای وجود ندارد که تمامی این موارد را به صورت کامل در خود داشته باشد.

هنگام برنامه ریزی و طراحی چهارچوب های سازمانی، پرسشی که باید توسط هر جامعه ای مطرح شود، این است که چه معیارهایی مهم هستند – و به چه دلیل. طراحی سازمانی نیز باید بر مبنای پاسخگویی به این پرسش باشد. با این حال، کارکرد هر روش و چهارچوب انتخاباتی به موارد بسیار زیاد و نحوهٔ ارتباط جزییات با یکدیگر بستگی دارد.
روش های انتخاباتی متفاوت می توانند با آرای اتخاذ شده یکسان، موجب برنده شدن کاندیداهای متفاوتی شوند. روش انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده دارای ویژگی هایی می باشد که هیچ یک از آنها منحصر به فرد نبوده و حتی لزوماً قابل توجه نیز به شمار نمی روند، اما این ویژگی ها در کنار یکدیگر دارای نتایج منحصر به فردی هستند.

دسته بندی های عمده

تقریباً تمامی روش های انتخاباتی در سراسر جهان را می توان به سه دسته زیر تقسیم کرد: روش های جمع گرایی/ اکثریت، روش هایی که در آن هر حزب یا گروه به نسبت آرایی که در انتخابات کسب کرده است در قدرت سهیم خواهد بود، و روش های مختلط. از ۱۹۹ کشور و سرزمینی که تا پایان سال ۲۰۰٤ دارای روش های انتخاباتی قابل شناسایی بوده اند، ۹۱ کشور برای انتخابات قانونی خود از روش های جمع گرایی/ اکثریت استفاده کرده، ۷۲ کشور از روش های مشارکت در قدرت به نسبت آرای کسب شده استفاده کرده، و ۳۰ کشور نیز از روش های مختلط استفاده می کردند. روش های ٦ کشور دیگر نیز در این دسته بندی قرار نمی گیرند.

روشی که در آن برنده انتخابات به تنهایی در مسند قدرت قرار می گیرد، رایج ترین روش انتخاباتی در بین روش های جمع گرایی/ اکثریت است: ٤۷ مورد از ۹۱ مورد از این روش استفاده می کنند. در دموکراسی های تثبیت شده، استفاده از روش های مشارکت در قدرت به نسبت آرای کسب شده رایج

تر می باشد، اما با توجه به این موضوع که هند و ایالات متحده آمریکا از روش تصاحب قدرت توسط برنده انتخابات استفاده می کنند، تعداد مردمی که در کشورهایی که در آنها این روش به کار گرفته می شود، زندگی می کنند، بیشتر از کشورهایی با روش های دیگر است.

در انتخابات ریاست جمهوری، تنها یک کاندیدا می تواند برنده شود و روش انتخاباتی مورد استفاده باید از نوع روش های جمع گرایی/ اکثریت باشد. در پایان سال ۲۰۰٤، در ۱۰۲ کشور و سرزمین مردم برای انتخاب رییس جمهوری در رای گیری شرکت می کردند. این تعداد شامل کشورهایی است که از یکی از دو نوع روش زیر استفاده می کنند: روش ریاست جمهوری، که در آن رییس جمهوری هم رهبر کشور و هم رییس قوه مجریه بوده، برای یک دوره مشخص قدرت را در دست دارد، و برای در دست گرفتن قدرت نیازی به رای اعتماد قوه مقننه ندارد؛ و روش پارلمانی، که در آن رییس جمهوری تنها رهبر کشور بوده و اختیارات مستقل و اجرایی او محدود بوده و یا اصلا وجود ندارد، و یک نخست وزیر که به رای اعتماد قوه مقننه نیاز دارد، ریاست قوه مجریه را بر عهده می گیرد.

۷۸ کشور از این ۱۰۲ کشور از نوعی روش دومرحله ای استفاده می کنند. و ۲۲ کشور از این ۷۸ کشور نیز از روشی که برنده انتخابات به تنهایی در مسند قدرت قرار می گیرد استفاده می کنند؛ یک کشور از روش رای گیری جایگزین استفاده می کند، که در آن رای دهندگان اولویت های خود را به ترتیب مشخص می کنند؛ و یک کشور نیز از روش رای گیری تکمیلی استفاده می کند، که در آن رای دهندگان انتخاب های اول و دوم خود را مشخص می کنند. روشی که برنده انتخابات در آن به تنهایی در مسند قدرت قرار می گیرد، روشی شناخته شده و مورد پذیرش می باشد، گرچه رایج ترین روش به شمار نمی رود.

روش های به کارگرفته شده برای انتخاب رییس جمهوری در ۱۰۱ کشور از بین این ۱۰۲ کشور شامل شمارش کلی آرای کسب شده توسط هر کاندیدا/ لیست انتخاباتی در سراسر کشور می باشد. با این حال، ایالات متحده با توجه به وجود هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری یک نمونه منحصر به فرد به شمار می رود. آرای مردم هر ایالت و منطقهٔ کلمبیا به صورت جداگانه شمارش می شود و بر اساس این آرا اعضای هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری انتخاب می شوند، و سپس این اعضا رییس جمهوری را انتخاب می کنند. تفاوت عملی ایجاد شده توسط این روش این است که ممکن است کاندیدایی که آرای مردمی بیشتری در سراسر کشور کسب کرده است، در نهایت به عنوان رییس جمهوری انتخاب نشود. این اتفاق تا کنون ۳ مرتبه در ۵۵ انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده رخ داده است (۲۰۰۰، ۱۸۸۸، ۱۸۷٦).

هیئت های انتخاب کننده

گاهی اوقات از روش هیئت انتخاب کننده در انتخابات منطقه ای نیز استفاده می شود. هر ۲۰ منطقه شهری در پاریس، اعضای شورای شهر را در یک انتخابات دومرحله ای انتخاب می کنند که در آن بیشترین کرسی ها به حزب سیاسی پیشتاز و یا لیست کاندیداهای آن حزب تعلق می گیرد، اما در این روش اغلب امکان حضور نمایندگانی از یک حزب و یا لیست انتخاباتی دیگر نیز وجود دارد. عموماً در این فهرست های انتخاباتی نام کاندیداهای سمت شهرداری برجسته تر ذکر می شود: عنوان تبلیغاتی لیست انتخاباتی شهردار کنونی در مبارزات انتخاباتی ۲۰۰۸ عبارت زیر بود: «پاریس، زمان پیشرفت با برتراند دلانو».

پس از اعلام نتایج، اعضای تازه انتخاب شده شورای شهر پاریس تشکیل جلسه داده و برای انتخاب شهردار رای گیری می کنند. شهردار برای انتخاب شدن در دور اول یا دوم نیازمند کسب اکثریت مطلق آرا می باشد. در صورت کشیده شدن رای گیری به دور سوم، شهردار تنها با کسب اکثریت ساده آرا انتخاب می شود.

بدین ترتیب اعضای شورای شهر نوعی هیئت انتخاب کننده را تشکیل می دهند. ویژگی مهم این هیئت انتخاب کننده این است که اعضای شورای شهر در دوره تصدی شهردار، همچنین قوه مقننه شهر را نیز تشکیل می دهند. انتخاب شهردار توسط قانونگذاران شهر این احتمال را که شهردار در دوران تصدی سمت خود مورد حمایت اکثریت حاکم بر قوه مقننه شهر باشد، بسیار افزایش می دهد. در مقابل، اعضای هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری ایالات متحده، فعالیت و کارکرد دیگری ندارند، و در روش انتخابات رییس جمهوری ایالات متحده هیچ گونه ارتباطی بین ریاست جمهوری و عضویت در کنگره وجود ندارد.

در بحث پیرامون هیئت های انتخاب کننده، برخی از مفسران، کشورهایی مانند استونی، هند، سورینام، و ترینیداد و توباگو را نیز در این دسته قرار می دهند. در این کشورها، رییس جمهوری – معمولا رهبر کشور در یک روش پارلمانی – توسط اعضای هر دو مجلس قانونگذاری کشور، و یا توسط مجموعه ای از نمایندگان که در سطح ملی و محلی انتخاب شده اند، انتخاب می شود. در این کشورها، رای دهندگان قانونگذاران قوه مقننه را انتخاب می کنند، و کاندیداهای ریاست جمهوری در هیچ انتخاباتی اعم از ملی و یا شهری شرکت نمی کنند. شاید بهترین توصیف برای این روش ها به جای روش های شامل هیئت انتخاب کننده، روش انتخابات غیرمستقیم باشد. ■

عقاید بیان شده در این مقاله لزوماً نشان دهنده دیدگاه ها و یا سیاست های دولت ایالات متحده نمی باشد.

هیئت انتخاب کنندهٔ رییس جمهوری: چشم انداز فرانسوی

نوشته آندره ای کاسپی

© AP Images/Eric Feferberg

نامزد های حزب سوسیالیست فرانسه، دو مینیک استراس- کان، لوران فابیوس و سگولن رویال در یک مناظرهٔ انتخابات مقدماتی شرکت می کنند.

نظام آمریکا جهت انتخاب رییس جمهوری برای مردم فرانسه، به عنوان یک مسئله اسرارآمیز است. ولی در حقیقت بعضی از عوامل نظام سیاسی دو کشور به هم نزدیک به نظر می رسند.

آیا فرانسوی ها می توانند چگونگی کارکرد روش هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری در ایالات متحده را درک کنند؟ احتمال آن بسیار کم است.

هم در فرانسه از سال ۱۹۶۲ به بعد و هم در ایالات متحده، مردم رییس حکومت جمهوری کشور را انتخاب می کنند و در هر دو دموکراسی این انتخابات از طریق رای گیری عمومی که در آن تمامی افراد بالغ حق رای دارند، انجام می شود. با این حال، انتخابات فرانسه به صورت مستقیم، و در حقیقت یک انتخابات دو مرحله ای می باشد که در آن هر شهروندی که بتواند تایید ۱۰۰۰ نفر را برای نامزدی خود به دست آورد، می تواند به عنوان کاندیدا شرکت کند. تمامی کاندیداها در مرحله اول انتخابات شرکت می کنند؛ و تنها دو کاندیدایی که بیشترین آرا را به دست بیاورند، می توانند در مرحله دوم که دو هفته بعد برگزار می شود، شرکت کنند.
این روند به آن معنا است که پس از پایان تمامی مراحل، برندهٔ انتخابات دارای اکثریت آرای رای دهندگان خواهد بود. فرانسوی ها معتقدند که سیستم آنها کاملا ساده بوده و شفافیت آن به اندازه ای است که آرای هیچ کاندیدایی نادیده گرفته نمی شود، و در عین حال این سیستم دارای محدودیت ها و قیود لازم می باشد که به موجب آن تنها کاندیداهای جدی که دارای تجربه و شهرت سیاسی کافی هستند، می توانند به مرحله نهایی راه یابند.

سیستم آمریکای ها متفاوت می باشد. هر ۵۰ ایالت و منطقه کلمبیا انتخابات خود را به صورت جداگانه برگزار می کنند، حتی اگر قوانین و فرآیند به کارگرفته شده در انتخابات ایالت ها در نهایت یکسان و مانند هم باشد. هر ایالت بر اساس آرای عمومی لیستی از انتخاب کنندگان را برمی گزیند که هر یک از آنها نماینده یک کاندیدا خواهد بود. تعداد انتخاب کنندگان در این لیست بر اساس تعداد کلی سناتورهای هر ایالت (همواره دو سناتور) و تعداد نمایندگان ایالت در مجلس نمایندگان (که بستگی به جمعیت هر ایالت دارد) تعیین می شود. در تمامی ایالت ها به غیر از دو ایالت، این لیست تاییدی بر این موضوع است که کاندیدایی که اکثریت ساده و یا اکثریت مطلق آرا را به دست آورد، تمامی کرسی های هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری را تصاحب خواهد کرد (برنده صاحب تمامی کرسی ها می باشد).
انتخابات ریاست جمهوری، هر چهار سال یکبار و در سه شنبه پس از اولین دوشنبه در ماه نوامبر برگزار می شود. در ماه دسامبر، هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری که متشکل از اعضای منتخب در هر ایالت می باشند، رییس جمهوری

رأی دهندگان به رییس جمهوری آمریکا، مانند این افراد در سال ۲۰۰۴ احتمالا در آیندهٔ نزدیک صحنه را ترک نمی کنند.

و معاون رییس جمهور ایالات متحده را با اکثریت مطلق آرا انتخاب می کنند.
این روند دومرحله ای انتخابات هم بر مبنای آمار جمعیتی مردم آمریکا و هم بر اساس برابری سیاسی بین ایالت های این کشور صورت می گیرد، که این دو جنبهٔ مثبت، برای فرانسوی ها غیرمنتظره به شمار می رود.

فدرال، و نه متمرکز

نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که ایالات متحده مانند فرانسه یک جمهوری متمرکز نمی باشد. ایالت های تشکیل دهنده این کشور هر یک دارای تاریخ، قانون اساسی و زندگی اجتماعی خاص خود هستند. این ایالت ها همچنین بر حفظ دامنه نفوذ و اختیارات جداگانه خود نیز تاکید دارند. برخی از این ایالت ها کوچک و کم جمعیت بوده و برخی نیز بسیار پرجمعیت هستند.
ایالت ها در برخی از زمینه ها با یکدیگر برابر هستند، اما بدیهی است که – بنا به دلایل جمعیتی و اقتصادی – در حقیقت ایالت ها با یکدیگر برابر نیستند. و این دلیل پیچیدگی سیستم آمریکایی می باشد. و همچنین این موضوع توضیحی برای این پدیده غیرعادی به شمار می رود که یک کاندیدا می تواند اکثریت آرای عمومی را به دست آورده، اما در هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری آرای کمتری از رقیب خود به دست آورد. در انتخابات سال ۲۰۰۰ با اینکه ال گور ۵۰۰,۰۰۰ رای عمومی بیشتر از جورج دبلیو بوش کسب کرده بود، اما بوش به ریاست جمهوری انتخاب شد. مردم فرانسه از این موضوع بسیار شگفت زده، و شاید خشمگین شدند.

با این حال به نظر می رسد که اکثر آمریکای ها نمی خواهند سیستم انتخابات خود را به گونه ای تغییر دهند که شباهت بیشتری به سیستم انتخابات فرانسه داشته باشد، گرچه هرازگاهی ایده های ایجاد اصلاحات در این سیستم مطرح می شود. برخی از صاحب نظران علوم سیاسی خواستار ایجاد روشی هستند که شباهت بیشتری به سیستم فرانسه داشته باشد، اما بسیاری از صاحب نظران نیز با توجه به این موضوع که هر ایالت خواستار حفظ نفوذ و اختیارات سیاسی خود می باشد، با این ایده موافق نیستند. در هر ایالت، اقلیت های نژادی، قومی، و مذهبی می خواهند در نتیجه انتخابات تاثیرگذار باشند، و در صورت وجود یک سیستم انتخابات ملی، آنها این توانایی خود را از دست خواهند داد.
علاوه بر این، تعریف شهروندی در ایالات متحده و فرانسه متفاوت می باشد. دموکراسی آمریکایی، چندفرهنگی است؛ رای دادن بر اساس گروه بندی های فرهنگی جایگاه بسیار مهمی در امور سیاسی آمریکا دارد و این پدیده تنها در چهارچوب برگزاری انتخابات جداگانه در هر ایالت معنا پیدا می کند. بنابر این، گرچه این سیستم در قرن هجدهم ایجاد شده است و برخی هنوز خواستار ایجاد اصلاحاتی در قانون اساسی ایالات متحده هستند، اما بقای هیئت انتخاب کننده رییس جمهوری با مخاطره روبرو نخواهد شد. این نهاد خاص دارای سوابق منحصر به فرد خود بوده و با استناد به آن در آینده نیز به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

کم کردن برخی از فاصله ها

با این وجود، انتخابات مقدماتی آمریکا شباهت های بسیار زیادی به اولین دور انتخابات فرانسه دارد، زیرا دموکرات ها و جمهوریخواهان با رای گیری، کاندیداهایی را که امکان پیروزی آنها بسیار کم می باشد حذف می کنند. با فرا رسیدن روز کارگر در آمریکا در ماه سپتامبر، تنها کاندیداهای دو حزب عمده باقی می مانند و سایر کاندیداها دارای نقش ناچیزی خواهند بود، مگر این که آنها در موقعیتی باشند که بتوانند بر نتایج انتخابات در ایالاتی که رقابت در آنها بسیار تنگاتنگ است، تاثیرگذار باشند.
فرانسوی ها با کمی شک و تردید برگزاری انتخابات مقدماتی را آغاز کرده اند. و اگرچه هنوز شیوهٔ مشخصی برای برگزاری این انتخابات در نظر گرفته نشده است، اما انتخابات مقدماتی فرانسه به دسته بندی کردن و منظم کردن کاندیداهای هر حزب سیاسی کمک می کند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۶ حزب سوسیالیست با ۳ کاندیدا وارد رقابت های انتخاباتی شد، و فعالان حزب یکی از این ۳ کاندیدا، سگولن رویال، را به نمایندگی از حزب خود برگزیدند. اتحادیه جنبش مردمی (UPM) نیز به شکل مشابهی راهکار دیگری را برگزید، و اعضای حزب یکی از دو کاندیدای اصلی حزب خود را انتخاب کردند. دور از انتظار نیست که در انتخابات ریاست جمهوری آتی، روندی مشابه توسعه یافته و به کار گرفته شود.

شیوه انتخاب رییس جمهوری، چه در فرانسه و چه در ایالات متحده، نشان دهنده عمیق ترین ارکان فرهنگی آن کشور می باشد. هیچ چیز از تحمیل یک شیوهٔ موفقیت آمیز در انجام امور یک کشور، بر کشوری دیگر، ناکارآمدتر و تاسف بارتر نمی باشد. ■

عقاید بیان شده در این مقاله لزوماً نشان دهنده دیدگاه ها و سیاست های دولت ایالات متحده نمی باشد.

شباهت هایی شگفت انگیز در دو سوی اقیانوس اطلس

نوشتهٔ فیلیپ جان دیویس

نظام انتخاباتی آمریکا و انگلیس کاملا با یکدیگر متفاوت هستند. ولی گاهی به طور عجیب پیامدهای مشابه دارند.

کلاس های درس دو سوی اقیانوس اطلس فرصتی ویژه برای یادگیری فراهم می آورند. دانشجویان بریتانیایی گاهی از شنیدن این که قانون گذاران در ایالات متحده معمولا در انتخاباتی مبارزه می کنند که برنامه های شخصی نامزدها بر پیام سیاسی حزب مرکزی سایه می اندازد، کمی تکان می خورند.

هنگامی که به آنها شواهدی ارائه می شود که رؤسای جمهور، حتی اگر از یک حزب سیاسی باشند، باید مذاکرات زیادی با مجلس انجام دهند و به نتایجی برسند تا بتوانند قوانین پیشنهادی را به سیاست های عملی بدل سازند، کمی تعجب می کنند.

و هنگامی که به ساختار محرمانهٔ هیئت انتخاب کننده و توانایی مشهود اخیر آن در بدل ساختن فردی که بیشترین آرا را در سطح کشور به دست آورده است به نفر دوم انتخابات می رسند، لب هایشان را به هم فشار می دهند.

«حتی در صورتی که حزب مورد حمایت رای دهندگان برندهٔ انتخابات شود، آنها نمی توانند تضمین کنند که سیاست هایی که مورد حمایت آنها بوده است اجرا می شوند! آنها نمی توانند مطمئن باشند که رهبری که بیشتر آنها به وی رای داده اند انتخاب می شود! آیا این واقعا مردم سالاری است؟»

در مقایسه، دانشجویان ایالات متحده نسبت به سیستم انتخاباتی بریتانیا، که آنچنان در سلطهٔ بیانیه های سیاسی حزبی است که خصایص انفرادی نامزدها تاثیر اندکی بر نتایج آن دارد، اعتماد ندارند. میزان کنترلی که مدیرانی که در داخل قوهٔ مقننه کار می کنند بر سیاست ها دارند، آنها را نگران می کند.

و هنگامی که به انتخاب نخست وزیر می رسد، آنها از ارتباط ضعیف میان قوهٔ مقننه و فرآیند انتخاب بسیار شگفت زده می شوند.

«در انتخاب نخست وزیر تقریبا هیچ یک از رای دهندگان دخیل نیستند! احزاب، کنترل شدیدی بر برنامه های سیاسی دارند! آیا این واقعا مردم سالاری است؟»

© Getty Images

هارولد ویلسون رهبر حزب کارگر انگلستان در سال ۱۹۶۴ انتخابات را با پیروزی اندک، تفاوت چند کرسی برد.

دیدگاه هایی متفاوت در مورد مردم سالاری

در فرهنگ سیاسی، مردم سالاری مطمئنا از آنِ واژگانی است که همه برای آن «هورا» می کشند. عموماً کشورها می خواهند که مردم سالار شناخته شوند، حتی اگر بیشتر در سطح روابط عمومی باشد تا حقیقت. در نیم قرنی که آلمان تقسیم شده بود، بخش شرقی کمونیست آن بود که موفق شد خود را جمهوری دموکراتیک بنامد.

ولی حتی کشورهایی که کارنامهٔ دموکراتیک یکدیگر را قبول دارند ممکن است نظام خود را به شیوه های متفاوتی طراحی کنند. هنگامی که از دیدهای مختلف فرهنگی به نهادهای

دموکراتیک و بنیادهای متفاوت فرهنگی و تاریخی آنها نگاه شود، آنها می توانند گیج کننده به نظر آیند و شباهت ها در فرهنگ های متفاوت ممکن است از دید پنهان شوند.

نظام بریتانیا به مرکزیت رقابت سیاسی حزبی پیوند خورده است. یکی از تغییراتی که در سال های اخیر در انتخاب رهبری حزب انجام شده این است که ساختارهایی به نام هیئت های انتخاب کننده ایجاد شده اند. هدف از این کالج ها این است که توازن نمایندگی میان جناح های داخل حزب را حفظ کنند و مطمئنا آنها مدیون برخی درس هایی هستند که از سوی دیگر اقیانوس اطلس آموخته اند ولی به هیچ وجه بر اساس اصول فدرالیستی ای که محور کالج لکتورال ایالات متحده هستند بنا نشده اند.

جدای از این تفاوت ها، فرآیند مبتنی بر حزب برای انتخاب نخست وزیر بریتانیا به همان اندازهٔ فرآیند انتخاب رییس جمهور ایالات متحده محرمانه است.

در نتایج انتخابات برخی شباهت ها ظهور می کنند. هیئت انتخاب کننده ایالات متحده به طور بالقوه امکان پیروزی برای فردی که بیشترین آرا را در سطح کشور کسب نکرده است، فراهم می کند. این امر برای ناظران بریتانیایی نباید عجیب باشد چرا که در هیچ یک از ۱۷ انتخابات عمومی ای که پس از جنگ جهانی دوم در بریتانیا برگزار شده اند حزب برنده اکثریت آرای ملی را کسب نکرده است. محافظه کاران در سال ۱۹۵۵ با ٤۹,۷ درصد آرا نزدکترین رای به اکثریت را به دست آوردند. ولی در هفت انتخابات پس از جنگ، حزب برنده کمتر از ٤٥ درصد آرا را به دست آورد و در سه مورد از آنها کمتر از ٤٠ درصد آرا را داشت و در سال ۲۰۰۵ این رقم به ۳٥,۲ درصد سقوط کرد.

اهمیت اعداد کوچک

برندهٔ هیئت انتخاب کننده ایالات متحده نیز می تواند کمتر از نفر دوم، رای آورده باشد. این امر زیاد رخ نمی دهد ولی انتخابات سال ۲۰۰۰ این مساله را بسیار برجسته کرد.

مورد مشابهی می تواند در انتخابات عمومی بریتانیا نیز روی دهد. در سال ۱۹٥۱ حزب کارگر تقریبا مجموعاً ۱ درصد از حزب محافظه کار و متحدان آن بیشتر رای آورد ولی در نهایت تعداد کرسی هایش ٤ درصد کمتر بودند. در سال ۱۹۷٤ این حزب محافظه کار بود که آرای مردمی اش کمی بیشتر بود ولی حزب کارگر، کرسی های بیشتری را کسب کرد. با وجودی که دیگر احزاب کرسی های کافی برای حفظ توازن قدرت را داشتند، حزب کارگر دولت اقلیت را تشکیل داد.

انتخابات سال ۲۰۰۰ ایالات متحده اهمیت تعداد کمی رای در ایالت های مهم را مشخص کرد چرا که به مدت چندین هفته نتیجهٔ انتخابات در فلوریدا عوض می شد.

باز می توان نمونه های مشابهی را در بریتانیا دید. در سال ۱۹٦٤ حزب کارگر ۳۱۷ کرسی از ٦۳۰ کرسی موجود را برد و با ٤ کرسی بیشتر از همهٔ احزاب دیگر اکثریت مطلق را به دست آورد. حزب کارگز یکی از حوزه های انتخابیه

© AP Images/Doug Mills

جرج دبلیو بوش مراسم سوگند را در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۱ بعد از آن که از رقیب انتخاباتی خود چند رای عمومی کمتر آورد، به جا آورد.

را با تنها هفت رای اختلاف برد و نتیجهٔ سه رقابت نزدیکدیگر در همان انتخابات به ترتیب با ۱۰، ۱۱ و ۱٤ رای رقم خوردند.

شکی نیست که ناظران در کشورهای بسیاری هنگامی که به فرای مرزهایشان نگاه می کنند دیدشان نسبت به دموکراسی گسترده تر می شود. تفاوت ها جدی هستند، می توانند تعجب آور باشند و زمینه ای برای ظهور دیدگاهای جددی فراهم کنند. دیدن عجایب فرهنگ های سیاسی دیگر و از طریق آنها، دیدن عجایب داخلی همواره سرگرم کننده خواهد بود. ■

نظرهای ابراز شده در این مقاله لزوما منعکس کنندهٔ دیدگاه ها و سیاست های دولت ایالات متحده نیستند.

منابع بیشتر

کتاب ها، مقالات، تارنما ها و فیلم هایی درباره هیئت انتخاب کننده

کتابها و مقالات:

Baker, Ross K., and Jamie Raskin. "Has the Electoral College Outlived Its Usefulness?" *eJournal USA: The Long Campaign: U.S. Elections 2008*, (October 2007): .pp. 40-45 *http://usinfo.state.gov/journals/itdhr/1007/ijde/usefulness.htm*

Bennett, Robert W. *Taming the Electoral College*. Stanford, CA: Stanford Law and Politics, 2006.

Best, Judith. *The Choice of the People? Debating the Electoral College*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield, 1996.

Bonsor, Kevin. "How the Electoral College Works." *http://www.howstuffworks.com/electoral-college.htm*

Colomer, Josep, ed. *Handbook of Electoral System Choice*. New York: Palgrave Macmillan, 2004.

Debating the Merits of the Electoral College. National Public Radio (27 October 2004). *http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=4127863*

Edwards, George C. *Why the Electoral College Is Bad for America*. New Haven, CT: Yale University Press, 2004.

Fortier, John C., ed. *After the People Vote: A Guide to the Electoral College*. Washington, DC: AEI Press, 2004.

Frey, William H. "The Electoral College Moves to the Sun Belt." *The Brookings Institution Research Brief.* Washington, DC: The Brookings Institution, May 2005. *http://www.brookings.edu/*metro/20050505_Frey.pdf

Glenn, Gary. "Contemporary Perspectives: The Electoral College and the Development of American Democracy." *Perspectives on Political Science*, vol. 32, no. 1 (Winter 2003); p.4.

Greenfield, Jeff. *The People's Choice*. New York: Plume, 1996.

Gregg, Gary L. *Securing Democracy: Why We Have an Electoral College*. Wilmington, DE: ISI Books, 2001.

Issacharoff, Samuel. "Law, Rules, and Presidential Selection." *Political Science Quarterly*, vol. 120, no. 1 (Spring 2005): p. 113.

Kura, Alexandrea, ed. *Electoral College and Presidential Elections.* Huntington, NY: Nova Science Publishers, 2001.

Longley, Lawrence D. *The Electoral College Primer, 2000*. New Haven, CT: Yale University Press, 1999.

Neale, Thomas H. *The Electoral College: How It Works in Contemporary Presidential Elections*. Washington, DC: Congressional Research Service, 2004. *http://fpc.state.gov/documents/organization/36762.pdf*

Neale, Thomas H. *The Electoral College: Reform Proposals in the 109th Congress*. Washington, DC: Congressional Research Service, 2007. *http://fpc.state.gov/documents/organization/82468.pdf*

Rakove, Jack N. "Presidential Selection: Electoral Fallacies." *Political Science Quarterly*, vol.. 119, no. 1 (Spring 2004): p. 21.

Reynolds, Andrew, Ben Reilly, and Andrew Ellis. *Electoral System Design: The New International IDEA Handbook*. Stockholm: International IDEA, 2005. *http://www.idea.int/publications/esd/index.cfm#toc*

Ross, Tara. *Enlightened Democracy: The Case for the Electoral College*. Dallas, TX: Colonial Press, 2004.

Schumaker, Paul D., ed. *Choosing a President: The Electoral College and Beyond*. New York: Chatham House Publishers, 2002.

toral College Reform
http://www.michiganlawreview.org/firstimpressions/vol106/electoral.htm

U.S. National Archives: Electoral College Calculator
http://www.archives.gov/federal-register/electoral-college/calculator.html

U.S. National Archives: U.S. Electoral College
http://www.archives.gov/federal-register/electoral-college/

Who Really Elects the President?
http://www.loc.gov/wiseguide/oct04/election.html

فیلم ها:

The Electoral College in U.S. Elections
http://www.america.gov/multimedia/video.html?videoId=1691067575

Everything You Wanted to Know About the Electoral College But Were Afraid to Ask
http://www.americanpressinstitute.org/pages/resources/2004/10/everything_you_wanted_to_know/

Swing States in U.S. Elections
http://www.america.gov/multimedia/video.html?videoId=1691067637

The U.S. Department of State assumes no responsibility for the content and availability of the resources listed above. All Internet links were active as of September 2008.

Shaw, Daron R. *The Race to 270: The Electoral College and the Campaign Strategies of 2000 and 2004*. Chicago: University of Chicago Press, 2006.

Should the Electoral College Count? Washington Post Newspaper in Education Program (23 November 2004). *http://www.washpost.com/nielessonplans.nsf/0/B08521CC22F805E085256F5B00547D90/$File/ElectoralCollege.pdf*

Thompson, Dennis. *Just Elections: Creating a Fair Electoral Process in the U.S.* Chicago: University of Chicago Press, 2002.

Turner, Robert C. "The Contemporary Presidency: Do Nebraska and Maine Have the Right Idea? The Political and Partisan Implications of the District System." *Presidential Studies Quarterly*, vol. 35, no. 1 (March 2005): p. 116.

Wagner, David S. "The Forgotten Avenue of Reform: The Role of States in Electoral College Reform and the Use of Ballot Initiatives to Effect That Change." *The Review of Litigation*, vol. 25, no. 3 (Summer 2006): p. 575.

تارنماهای اینترنتی:

270towin.com
http://www.270towin.com/

About America: The Constitution of the United States of America With Explanatory Notes. Adapted from *The World Book Encyclopedia* © 2004, World Book, Inc.
http://www.america.gov/publications/books/the-constitution.html

The Electoral College
http://www.fairvote.org/e_college/?page=964

Electoral College Prediction Map
http://www.washingtonpost.com/wp-srv/politics/interactives/campaign08/electoral-college/

National Popular Vote
http://www.nationalpopularvote.com/

An Online Symposium on Recent Proposals for Elec-

http://www.america.gov/persian

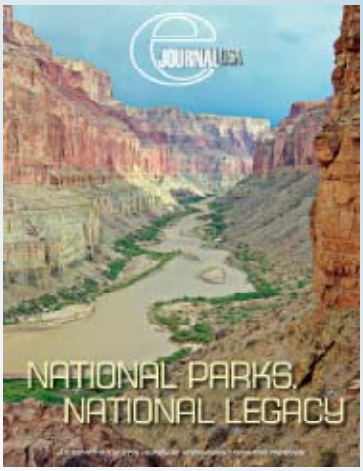

A

MONTHLY

JOURNAL

OFFERED IN

MULTIPLE

LANGUAGES

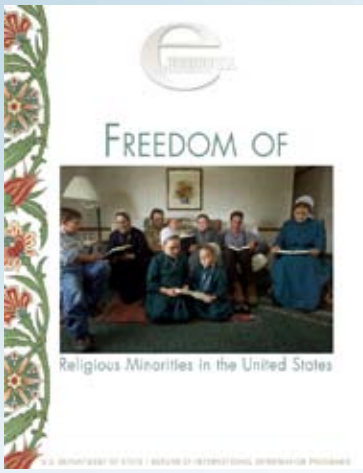

U.S. DEPARTMENT OF STATE · BUREAU OF INTERNATIONAL INFORMATION PROGRAMS